

ترور هدفمند دانشمندان ایرانی در منازعه مسلحانه خرداد ۱۴۰۴ در پرتو حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه

میترا کیومرث • دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بشر، دانشکده الهیات و حقوق، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران.
mitrakiumars1363@gmail.com (نویسنده مسئول)
سیده فاطمه ققیعی • استادیار، گروه حقوق، دانشکده الهیات و حقوق، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران.
ffaghihi@hmu.ac.ir

چکیده

ترور هدفمند دانشمندان ایرانی در جریان منازعه مسلحانه خرداد ۱۴۰۴ - یعنی استفاده عمدی از قوای قهریه مرگبار علیه افراد مشخص در خارج از میدان نبرد - از بحث‌برانگیزترین رویدادها با تبعات گسترده حقوقی و انسانی به شمار می‌رود. نوشتار حاضر با هدف بررسی و سنجش مشروعیت این اقدامات در چارچوب حقوق بین‌الملل بشردوستانه و موازین حقوق بشر تدوین شده است. این مطالعه با بهره‌گیری از روش تحلیل اسنادی، به بررسی معاهدات بین‌المللی (نظیر پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ و میثاق‌های ۱۹۶۶)، رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری و راهنمای تفسیری کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (۲۰۰۹) در موضوع بحث می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که دانشمندان ایرانی، به دلیل عدم مشارکت مستقیم در مخاصمات، دارای وضعیت «غیرنظامی» بوده و در نتیجه تحت حمایت کامل قواعد بشردوستانه قرار دارند. بر این اساس، هدف قرار دادن آن‌ها نقض صریح اصول بنیادین «تفکیک»، «تناسب» و «ضرورت نظامی» محسوب شده و با حق ذاتی حیات در اسناد حقوق بشری در تضاد آشکار است. علاوه بر این، ارزیابی این اقدامات بر اساس معیارهای اساسنامه رم حاکی از آن است که چنین حملاتی می‌توانند مصداق بارز «جنایت جنگی» تلقی شوند. مقاله در نهایت نتیجه می‌گیرد که ترور هدفمند دانشمندان، گذشته از نامشروع بودن از منظر حقوقی، پیامدهای مخربی برای نظم حقوق بین‌الملل و امنیت منطقه‌ای به همراه دارد. از این رو، در پایان بر ضرورت پیگیری حقوقی این موضوع از طریق پذیرش صلاحیت موردی دیوان کیفری بین‌المللی (مطابق با بند ۳ ماده ۱۲ اساسنامه رم) و یا درخواست نظر مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری تأکید شده است.

واژگان کلیدی: ترور هدفمند، دانشمندان غیرنظامی، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، جنایت جنگی.



در چشم‌انداز پیچیده و در حال تحول امنیت بین‌الملل در قرن بیست و یکم، مفاهیم کلاسیک «جنگ» در قالب‌های جدیدی بیان می‌شوند: جنگ‌های نامتقارن، حملات سایبری، تروریسم دولتی و بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته برای اهداف نظامی و امنیتی. در این حیطه، «نخبگان علمی» و «سرمایه انسانی متخصص» به عنوان اهداف راهبردی جدیدی مطرح می‌شوند. هدف‌گذاری دانشمندان نه تنها حذف فیزیکی فرد، بلکه ضربه‌ای به زیرساخت‌های دانش‌بنیان، توان نوآوری و ظرفیت‌های خوداتکایی ملی است؛ امری که استقلال علمی و فناوری کشور را در بلندمدت در معرض خطر قرار می‌دهد و پیامدهای جبران‌ناپذیری بر توسعه پایدار و رفاه جامعه دارد.

در این میان، مفهوم «ترور هدفمند»¹ به عنوان «استفاده عمدی از زور کشنده با حمایت دولتی، خارج از چارچوب اجرای قانون، علیه افراد مشخص شده غیر از رزمندگان در مخاصمات مسلحانه» تعریف شده است. (Melzer, 2008, p. 5) نیلز ملزر، حقوقدان برجسته بین‌المللی و مسئول تدوین راهنمای تفسیری کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، چهار عنصر تجمعی برای این مفهوم برمی‌شمارد: (۱) استفاده از زور کشنده علیه انسان‌ها، (۲) استفاده از نوعی سلاح، (۳) هدف‌گیری افراد مشخص و از پیش تعیین‌شده، و (۴) عدم حضور هدف در بازداشت فیزیکی عاملان ترور. (Melzer, 2010, p. 277). این تعریف، ترور هدفمند را از مفاهیم مشابهی مانند «تروریسم» یا «قتل‌های سیاسی» متمایز می‌سازد و آن را در چارچوب حقوقی مشخصی قرار می‌دهد.

ترور هدفمند دانشمندان ایرانی در جریان منازعه مسلحانه خرداد ۱۴۰۴، نمونه‌ای بارز از این پدیده است که پیامدهای حقوقی، امنیتی و اخلاقی وسیعی را به همراه داشته و توجه جامعه بین‌المللی و جامعه حقوقی را جلب کرده است. (HRW, 2021; UNESCO, 2017) این اقدامات مستقیماً نخبگان علمی و نوآوران را نشانه می‌گیرند و نه تنها توسعه علمی و اقتصادی کشور را با چالش جدی روبرو می‌کند، بلکه پایه‌های نظم حقوق بین‌المللی و مفهوم بنیادین حفاظت از جان افراد غیرنظامی را زیر سؤال می‌برد. در این میان، هدف‌گذاری افراد بدون مشارکت مستقیم در خصومت‌ها، از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر، پرسش‌های اساسی درباره مرز میان اهداف مشروع نظامی و

¹ targeted killing

غیرنظامی و مسئولیت طرف‌های درگیر مطرح می‌کند. (ICRC, 2009)

تجربه جمهوری اسلامی ایران در دو دهه اخیر گواه بر استراتژی هدفمندی برای مختل کردن پیشرفت علمی و فنی کشور است. نمونه‌های آن شامل ترورهای دانشمندان هسته‌ای و فعالان حوزه‌های فناوری‌های پیشرفته می‌شود: دکتر مجید شهریاری (فیزیک هسته‌ای، ترور با بمب مغناطیسی در تهران، ۲۰۱۰)، مهندس مصطفی احمدی‌روشن (مدیر پروژه سوخت هسته‌ای نظنز، ترور با بمب مغناطیسی، ۲۰۱۲)، و دکتر محسن فخری‌زاده (استاد فیزیک و مسئول سابق سازمان پژوهش و نوآوری وزارت دفاع، ترور با سیستم نیمه‌خودکار مسلح، ۲۰۲۰). گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور اعدام‌های فراقضایی، آگنس کالامارد، در گزارش خود (A/HRC/44/38, 2020) ترور محسن فخری‌زاده را «اعدام فراقضایی برنامه‌ریزی شده توسط دولت خارجی» توصیف کرده^۱ و آن را نقض آشکار حق حیات در ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۲ دانسته است (UN Human Rights Council, 2020, para. 43).

این روند در «منازعه دوازده‌روزه بین ایران و اسرائیل در ژوئن ۲۰۲۵» به اوج خود رسید. بر اساس مکاتبات رسمی، از جمله نامه مورخ ۱۸ ژوئن ۲۰۲۵ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ایران به مدیرکل یونسکو، در بازه ۱۳ تا ۱۶ ژوئن ۲۰۲۵ موج جدیدی از ترورهای هدفمند علیه دانشمندان ایرانی در حوزه‌های حیاتی مانند فیزیک نظری، مهندسی مواد، علوم هسته‌ای، هوش مصنوعی و

^۱ آگنس کالامارد، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور اعدام‌های فراقضایی، گزارش خود را تحت عنوان «قتل‌های هدفمند از طریق پهپادهای مسلح و پرونده ترور سردار قاسم سلیمانی» در ۱۰ ژوئیه ۲۰۲۰ به چهل و چهارمین نشست شورای حقوق بشر ارائه کرد که با شماره سند A/HRC/44/38 ثبت شده است. (UN Human Rights Council, 2020). متن کامل گزارش در آدرس <https://documents.un.org/doc/undoc/gen/g20/165/59/pdf/g2016559.pdf> قابل دسترسی است. درباره ترور دکتر محسن فخری‌زاده در ۲۷ نوامبر ۲۰۲۰، کالامارد در توثیت خود اعلام کرد که «یک ترور فرامرزی هدفمند، خارج از چارچوب یک مخاصمه مسلحانه، نقض حقوق بین‌الملل بشر و ممنوعیت محرومیت خودسرانه از حیات است».

^۲ ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) در بند اول خود مقرر می‌دارد: «هر انسان دارای حق ذاتی حیات است. این حق باید توسط قانون حمایت شود. هیچ‌کس نباید به طور خودسرانه از حیات محروم گردد» (International Covenant on Civil and Political Rights, 1966, Art. 6(1)). شماره ۳۶ (۲۰۱۸) تصریح کرده است که حق حیات عالی‌ترین حق بشری است که هیچ گونه تخطی از آن حتی در شرایط مخاصمه مسلحانه مجاز نیست و محرومیت خودسرانه از حیات تحت هر شرایطی ممنوع می‌باشد (UN Human Rights Committee, 2018, CCPR/C/GC/36, paras. 2-3, 64). متن کامل تفسیر عمومی در آدرس <https://documents.un.org/doc/undoc/gen/g19/261/15/pdf/g1926115.pdf> قابل دسترسی است.

فناوری‌های پیشرفته رخ داد. در این نامه که به امضای دکتر حسین سیمایی صراف، وزیر علوم ایران، رسیده است، آمده: «از تاریخ ۱۳ تا ۱۶ ژوئن ۲۰۲۵، مجموعه‌ای از حملات در خاک ایران، خارج از چارچوب قوانین بین‌المللی انجام شد» و فهرستی از ۱۲ دانشمند شهید شامل دکتر مجید تجن جاری (پیشگام هوش مصنوعی) و مهندس محمدرضا ذاکریان (متخصص برجسته هوش مصنوعی) ارائه شده است. وزیر علوم ایران در این نامه تأکید کرده است که «این دانشمندان ارجمند، به طور نگران‌کننده‌ای در منازل شخصی خود مورد هدف قرار گرفته و در کنار خانواده‌های بی‌گناهشان به شهادت رسیدند، اقدامی که نقض آشکار حریم زندگی غیرنظامیان و قوانین بین‌المللی بشردوستانه محسوب می‌شود» (Simaei Sarraf, 2025).

گزارش‌های بین‌المللی حاکی از آن است که در جریان عملیات «شیر خشمگین»^۱ اسرائیل، دست‌کم ۱۴ دانشمند هسته‌ای و ۲۰ فرمانده ارشد نظامی ایران هدف قرار گرفتند (Reuters & LBCI, 13 June 2025; News18, 19 June 2025). میان کشته‌شدگان، پروفیسور فریدون عباسی‌دوانی (رئیس اسبق سازمان انرژی اتمی ایران و فیزیکدان هسته‌ای)، پروفیسور محمدهادی طهرانچی (رئیس دانشگاه آزاد اسلامی و فیزیکدان نظری)، و دکتر سید محمدرضا صدیقی‌صابر (استاد فیزیک دانشگاه صنعتی شریف و مشاور سازمان انرژی اتمی) شناسایی شده‌اند. (Jerusalem Post, 14 June 2025; LBCI, 13 June 2025). همچنین منابع محلی از ترور پروفیسور عبدالحمید مینوچهر (رئیس دانشکده مهندسی هسته‌ای دانشگاه شهید بهشتی) و پروفیسور احمدرضا ذوالفقاری (استاد همان دانشکده) خبر داده‌اند (Kashmir Observer, 13 June 2025).

این حملات با دقت و برنامه‌ریزی صورت گرفتند و نقض آشکار حقوق بنیادی افراد و چالشی جدی برای هنجارهای حقوق بین‌الملل، به‌ویژه قواعد حمایتی ناظر بر غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه، محسوب می‌شوند.

در خصوص مبانی حقوقی، بر اساس راهنمای تفسیری کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC, 2009)، «مشارکت مستقیم در خصومت‌ها»^۲ تنها در صورتی تحقق می‌یابد که سه شرط تجمعی احراز

¹ Operation Rising Lion

² Direct Participation in Hostilities - DPH

شود: (۱) فعل به حد معینی از ضرر^۱ منجر شود، (۲) رابطه علی مستقیم^۲ بین فعل و ضرر وارده به طرف مخاصمه وجود داشته باشد، و (۳) فعل دارای ارتباط با عملیات نظامی^۳ باشد (ICRC, 2009, pp. 46-64; Schmitt, 2010). مصداق این معیارها نیست. به صراحت راهنمای مزبور تأکید می‌کند: «فعالیت‌های پژوهشی، مدیریتی یا فنی در صنایع دواکاردی یا دوگانه، معادل مشارکت مستقیم در خصومت نیست، مگر آن‌که فرد نقش فوری، عملیاتی و نظامی داشته باشد». (ICRC, 2009, p. 47) بنابراین، دانشمندی که صرفاً به فعالیت علمی یا پژوهشی اشتغال دارند، بدون اثبات نقش عملیاتی مستقیم در مخاصمه، از حمایت کامل قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه برخوردارند.

علیرغم افزایش مطالعات پیرامون «ترور هدفمند» در حقوق بین‌الملل، به‌خصوص در زمینه استفاده از پهپادها و عملیات‌های مخفی، بیشتر پژوهش‌های موجود بر مصادیق غربی و در چارچوب مبارزه با تروریسم متمرکز بوده‌اند. مطالعه وضعیت حقوقی ویژه نخبگان علمی در شرایط منازعه مسلحانه، به‌ویژه در خارج از ساختار غربی، هنوز به‌صورت جامع و مستدل انجام نگرفته و نیاز به تحلیل عمیق‌تری دارد.

هدف اصلی این پژوهش—تحلیل و ارزیابی مشروعیت یا عدم مشروعیت ترور هدفمند دانشمندان ایرانی در جریان منازعه مسلحانه خرداد ۱۴۰۴، بر اساس اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه (به ویژه اصل تفکیک) و قواعد حقوق بشر (به ویژه حق حیات) است. این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی است که آیا دانشمندان هدف قرار گرفته، به دلیل عدم مشارکت مستقیم در خصومت‌ها، از وضعیت غیرنظامی برخوردار بوده و حملات به آنان نقض آشکار اصول بنیادین حقوق بشردوستانه محسوب می‌شود یا خیر.

سؤال اصلی پژوهش—این است که: آیا ترور هدفمند دانشمندان ایرانی در منازعه مسلحانه خرداد ۱۴۰۴، از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر، مشروع و قابل توجیه است یا نقض آشکار قواعد آمره محسوب می‌شود؟

¹ Threshold of Harm

² Direct Causation

³ Belligerent Nexus

فرضیه پژوهش— بر این مبنا استوار است که دانشمندان ایرانی، در صورت عدم مشارکت مستقیم در مخاصمات، دارای وضعیت غیرنظامی بوده و از حمایت کامل قواعد حقوق بشردوستانه و حقوق بشر برخوردارند. ترور هدفمند دانشمندان، نقض آشکار اصول بنیادین حقوق بشردوستانه (اصل تفکیک، اصل تناسب، اصل احتیاط) و مغایر با حق حیات در حقوق بشر است. این اقدامات، در بستر مخاصمه مسلحانه، می‌تواند مصداق «حمله عمدی به غیرنظامیان» موضوع ماده

(i)(b)(2) اساسنامه رم و «تخلفات فاحش» موضوع ماده ۸۵ پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷^۱ تلقی شده و مسئولیت کیفری بین‌المللی را متوجه عاملان آن سازد. (Rome Statute, 1998, Art. 8(2)(b)(i); Additional Protocol I, 1977, Art. 85).

پیشینه پژوهش— پدیده «ترور هدفمند» به عنوان یک راهبرد نوین در عرصه مخاصمات مسلحانه، طی دو دهه اخیر توجه گسترده حقوقدانان بین‌المللی را به خود جلب کرده است. در سطح بین‌المللی، مهم‌ترین اثر در این زمینه کتاب «ترور هدفمند در حقوق بین‌الملل» نوشته نیلز ملزر (۲۰۰۸) است که با تمایز میان دو پارادایم هنجاری «اجرای قانون» و «مخاصمه مسلحانه» نشان می‌دهد ترور هدفمند تنها در شرایط استثنایی و با رعایت اصول تفکیک، تناسب و احتیاط مشروعیت می‌یابد. (Melzer, 2008, pp. 88-92) دیوید کرتسمر (۲۰۰۵) با تأکید بر حق حیات و اصل ضرورت استدلال می‌کند که ترور هدفمند در صورت امکان دستگیری فرد مظنون، غیرقانونی است. (Kretzmer, 2005, p. 203). در سطح گزارش‌های نهادهای گزارشگران ویژه سازمان ملل در امور اعدام‌های فراقضایی، از جمله فیلیپ آلستون (۲۰۱۰) و آگنس کالامارد (۲۰۲۰)، ترور هدفمند را به عنوان نقض حق حیات و اعدام فراقضایی تلقی کرده‌اند. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC, 2009) نیز با انتشار

^۱ ماده (۸) ۲ (b)(i) اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی (۱۹۹۸) «هدایت عمدی حملات علیه جمعیت غیرنظامی به عنوان یک کل یا علیه افراد غیرنظامی که مشارکت مستقیم در خصومت‌ها ندارند» را به عنوان جنایت جنگی تعریف کرده است. (Rome Statute, 1998, Art. 8(2)(b)(i)). همچنین ماده ۳(۸۵) (a) پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷، «هدف قرار دادن جمعیت غیرنظامی یا افراد غیرنظامی» را هنگامی که از روی عمد، در نقض مقررات پروتکل و به گونه‌ای که باعث مرگ یا صدمه جدی به بدن یا سلامت شود ارتکاب یابد، به عنوان «تخلف فاحش» (Grave Breach) تلقی می‌کند. (Additional Protocol I, 1977, Art. 85(3)(a); ICRC Commentary, 1987, p. 994-995).
تفسیر ICRC، عناصر مشترک قابل اعمال برای تمام بندهای ماده ۸۵ (۳) عبارتند از: (۱) اقدام از روی عمد - (wilfully) متهم باید آگاهانه و با قصد مجرمانه عمل کرده باشد؛ (۲) نقض مقررات مربوطه پروتکل؛ و (۳) ایجاد مرگ یا صدمه جدی به بدن یا سلامت. (ICRC Commentary, 1987, para. 3474) متن کامل پروتکل اول و تفسیر ICRC در ادرس <https://ihl-databases.icrc.org/en/ihl-treaties/api-1977> قابل دسترسی است.

راهنمای تفسیری مشارکت مستقیم در خصومت‌ها، معیارهای سه‌گانه (آستانه ضرر، رابطه علی مستقیم و ارتباط با عملیات نظامی) را برای احراز مشارکت مستقیم غیرنظامیان در مخاصمات تعیین کرده است. (ICRC, 2009, pp. 46-64) در سطح پژوهش‌های فارسی، سرتیپی، بردبار و موسی‌زاده (۱۳۹۱) با تبیین چهار مدل حقوقی حاکم بر ترور هدفمند به این نتیجه رسیده‌اند که توسل به این سیاست تنها با رعایت اصول تفکیک، ضرورت و تناسب مشروعیت می‌یابد (سرتیپی، بردبار و موسی‌زاده، ۱۳۹۱، صص. ۴۰-۴۵). لسانی (۱۳۹۶) نیز با تحلیل رأی دیوان عالی اسرائیل در قضیه PCATI نشان داده است که تفسیر موسع دیوان از مفاهیم «مشارکت مستقیم» و «زمان درگیری» برخلاف مفاهیم سنتی حقوق بشردوستانه است (لسانی، ۱۳۹۶، صص. ۲۵۴-۲۵۸). با این حال، بررسی منابع موجود نشان می‌دهد که هیچ پژوهش جامعی به تحلیل مشروعیت ترور هدفمند دانشمندان به عنوان یک گروه خاص و راهبردی در مخاصمات مسلحانه نپرداخته است. این خلأ پژوهشی به ویژه با توجه به تحولات اخیر در منازعه مسلحانه خرداد ۱۴۰۴ میان ایران و اسرائیل که طی آن موج جدیدی از ترورهای هدفمند علیه دانشمندان ایرانی رخ داد، بیش از پیش آشکار شده است.

ساختار مقاله به ترتیب زیر تنظیم شده است: پس از این مقدمه، بخش دوم به مبانی نظری و حقوقی ترور هدفمند شامل مفاهیم، معیارهای مشروعیت و جایگاه آن در نظام حقوق بین‌المللی می‌پردازد. بخش سوم وضعیت حقوقی منازعه مسلحانه خرداد ۱۴۰۴ و جایگاه دانشمندان ایرانی در این چارچوب را تحلیل می‌کند. بخش چهارم به تحلیل حقوقی ترور هدفمند دانشمندان ایرانی در پرتو حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و مسئولیت‌های بین‌المللی ناشی از آن اختصاص دارد. بخش پنجم راهکارها و پیشنهادات حقوقی برای پیشگیری و تضمین پاسخگویی را ارائه می‌دهد. در پایان، نتیجه‌گیری، یافته‌های کلیدی و پیشنهادات پژوهشی جمع‌بندی می‌شود.

این مقاله به‌جای تمرکز صرف بر نمونه‌های خاص، سعی دارد چارچوب حقوقی مستدل و منسجمی برای تحلیل ترورهای هدفمند دانشمندان در بستر منازعه مسلحانه ارائه دهد و راهکارهای عملیاتی پیشگیری و پاسخگویی را در پرتو اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بررسی کند.

بخش دوم: مبانی نظری و حقوقی ترور هدفمند

در این بخش به بررسی مفاهیم کلیدی و چارچوب‌های حقوقی مرتبط با «ترور هدفمند»¹ در چارچوب حقوق بین‌الملل می‌پردازیم. این تحلیل شامل تعاریف، انواع، معیارهای مشروعیت و ابعاد حقوقی آن در مقایسه با قواعد مخاصمات مسلحانه و حقوق بشر است.

۲.۱. مفهوم‌شناسی ترور هدفمند

ترور هدفمند به عنوان یک مفهوم حقوقی-نظامی، در ادبیات حقوق بین‌الملل به «عملیات نظامی شامل استفاده از زور کشنده با هدف سلب حیات افرادی که به طور انفرادی انتخاب شده‌اند و در بازداشت فیزیکی عاملان ترور نیستند» تعریف شده است. (Melzer, 2010, p. 277) این مفهوم در دهه ۲۰۰۰ با بررسی سیاست‌های اسرائیل و ایالات متحده وارد ادبیات حقوق بین‌الملل شد و از آن زمان در مخاصمات متعدد مورد بحث قرار گرفته است. (Melzer, 2008, p. 5) تمایز اصلی آن با سایر اشکال خشونت نظامی، در هدف‌گیری مشخص و از پیش تعیین‌شده یک فرد خاص و اغلب خارج از صحنه مستقیم نبرد و در مناطق غیرمسلحانه نهفته است. (Melzer, 2008, pp. 3-5)

نیلز ملزر، حقوقدان برجسته بین‌المللی و مشاور حقوقی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، چهار عنصر تجمعی را برای ترور هدفمند برمی‌شمارد: (۱) استفاده از زور کشنده علیه انسان‌ها، (۲) استفاده از نوعی سلاح، (۳) هدف‌گیری افراد مشخص و از پیش تعیین‌شده، و (۴) عدم حضور هدف در بازداشت فیزیکی عاملان ترور. (Melzer, 2010, p. 277) به گفته وی، «ترور هدفمند» یک اصطلاح حقوقی شناخته‌شده نیست، بلکه به عنوان یک روش تاکتیکی با عناصر عینی تعریف می‌شود. (Melzer, 2010, p. 277؛ سرتیپی، بردبار و موسی‌زاده، ۱۳۹۱، ص. ۴۴)

مایکل والزر، فیلسوف سیاسی برجسته، تأکید می‌کند که ترور هدفمند در «جنگ علیه ترور» و به طور کلی در جنگ، تابع محدودیت‌های اخلاقی و حقوقی شناخته‌شده و شدیدی است (Walzer, 2016, p. 12). وی سه عنصر کلیدی را برای تحلیل مشروعیت ترور هدفمند برمی‌شمارد: (۱) استفاده عمدی از ابزار کشتار، (۲) انتخاب قبلی و مشخص هدف، و (۳) ضرورت و تناسب اقدام (Walzer, 2016, pp. 12-13).

این عناصر نشان می‌دهند که حملات علیه دانشمندان ایرانی در خرداد ۱۴۰۴، اقدامی تصادفی یا ناشی از خسارت جانبی نبوده، بلکه مصداق واضحی از ترور هدفمند است. وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح ایران، امیر سرلشکر امیر حاتمی، در نامه‌ای به وزیرای دفاع بیش از ۶۰ کشور، به «نقش مستقیم» سرویس‌های جاسوسی اسرائیل در ترورهای هدفمند دانشمندان ایرانی اشاره کرده

¹ Targeted Killing

و تأکید نموده است که «شواهد جدی» از دخالت اسرائیل در ترور پروفیسور محسن فخری زاده وجود دارد. (Nournews.ir, 2021) همچنین، بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسبق اسرائیل، در یک کنفرانس خبری تلویزیونی در سال ۲۰۱۸، فخری زاده را به عنوان تنها دانشمند ایرانی که نامش توسط او ذکر شد، معرفی کرده بود. (The Times of Israel, 2021)

ترور هدفمند بر اساس معیارهای مختلفی دسته بندی می شود: (Melzer, 2008, pp. 8-12) بر اساس بستر حقوقی: (الف) در چارچوب مخاصمات مسلحانه بین المللی؛ (ب) در چارچوب مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی؛ و (ج) خارج از بستر مخاصمات (مانند عملیات های اجرای قانون در زمان صلح). (Melzer, 2008, pp. 88-92)

بر اساس هدف: رهبران نظامی دشمن، اعضای گروه های مسلح غیردولتی، دانشمندان یا افرادی با دانش فنی حساس. (Melzer, 2008, pp. 15-18)

به این ترتیب، ترور هدفمند دانشمندان به عنوان اهداف حساس علمی و تکنولوژیک، در چارچوب مخاصمه مسلحانه یا اجرای قانون، به عنوان عملی علیه ظرفیت تولید علم و آینده توسعه یک کشور تعبیر می شود.

۲.۲. چارچوب های هنجاری حاکم بر ترور هدفمند

به گفته نیلز ملزر، ارزیابی مشروعیت ترور هدفمند منوط به تمایز میان دو چارچوب حقوقی مستقل است: (۱) چارچوب اجرای قانون^۱ در غیاب مخاصمات مسلحانه که مستلزم رعایت حداکثری حق حیات و دادرسی عادلانه است؛ و (۲) چارچوب مخاصمه مسلحانه که در آن قواعد حقوق بین الملل بشردوستانه از جمله اصل تفکیک، ضرورت نظامی و تناسب حاکم است (Melzer, 2010, p. 278; Melzer, 2008, pp. 88-92). ترکیب نادرست این دو چارچوب می تواند مشروع سازی

نادرست سلب خودسرانه حیات را ایجاد کند. (Melzer, 2008, p. 92)

ملزر تأکید می کند که پارادایم هنجاری بین المللی اجرای قانون، ترور هدفمند را تنها در شرایط استثنایی مجاز می داند. بنابراین، خارج از بستر مخاصمات، سلب حیات افراد خارج از بازداشت نمی تواند هدف واقعی عملیات باشد، بلکه باید پیامد ناخواسته و اجتناب ناپذیر عملیاتی باشد که برای دستیابی به هدف مشروع دیگری ضروری است. به طور دقیق تر، تنها هدفی که به طور بالقوه برای مشروعیت بخشی به ترور هدفمند شناخته می شود، حفاظت از جان انسان ها در برابر تهدید جدی و غیرقانونی است که به نحو دیگری قابل دفع نباشد. (Melzer, 2008, p. 90)

¹ Law Enforcement Paradigm

² Paradigm of Hostilities

در چارچوب اجرای قانون، ترور هدفمند تنها در شرایطی قابل تصور است که بر مبنای قانونی صریح باشد، اقدام پیشگیرانه برای حفاظت فوری از جان دیگران باشد و هیچ وسیله کم‌خطرتری برای دفع تهدید در دسترس نباشد. (Melzer, 2008, pp. 100-105) حملات منتسب به اسرائیل در منازعه خرداد ۱۴۰۴، فاقد شرایط لازم در چارچوب اجرای قانون بودند؛ زیرا دانشمندان ایرانی اشخاص غیرنظامی محسوب می‌شدند و امکان دستگیری آنان در خاک ایران وجود نداشت.

در چارچوب مخاصمه مسلحانه نیز این حملات مشروعیت ندارند، چرا که اصول تفکیک، احتیاط و تناسب نقض شده‌اند. وجود مخاصمه مسلحانه پیش‌نیاز وقوع «خصومت‌ها»^۱ به معنای واقعی است. (Melzer, 2008, pp. 111-115) دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق^۲ در رأی خود در قضیه تادیچ^۳، مخاصمه مسلحانه را چنین تعریف کرده است: «هرگاه توسل به نیروی مسلح بین دولت‌ها یا خشونت مسلحانه طولانی‌مدت بین مقامات دولتی و گروه‌های مسلح سازمان‌یافته یا بین چنین گروه‌هایی در داخل یک دولت وجود داشته باشد» (ICTY, Prosecutor v. Tadić, Case No. IT-94-1, 2 October 1995, para. 70, cited in Melzer, 2008, p. 113). منازعه خرداد ۱۴۰۴، با توجه به مشارکت مستقیم نیروهای مسلح اسرائیل و ایران و شدت خصومت‌ها، بدون شک واجد شرایط مخاصمه مسلحانه بین‌المللی است.

ملزر تصریح می‌کند که در جایی که دولت‌ها اعتراف می‌کنند که به ترور هدفمند متوسل می‌شوند، اغلب قابلیت اعمال پارادایم اجرای قانون را رد کرده و ادعا می‌کنند که این عملیات‌ها علیه دشمنان در شرایط مخاصمه مسلحانه انجام می‌شود. در نتیجه، استدلال می‌شود که مشروعیت بین‌المللی چنین ترورهای هدفمندی باید با مراجعه به استانداردهای حقوقی بین‌المللی حاکم بر حملات مستقیم علیه اهداف نظامی مشروع یا به اختصار «پارادایم هنجاری مخاصمات» تعیین شود. (Melzer, 2008, p. 90) با این حال، حتی در چارچوب مخاصمات، هیچ شخصی بدون ملاحظات بیشتر نمی‌تواند به طور مشروع به قتل رسد. ترور هدفمند به عنوان شکلی از جنگ فردی یا جراحی، نیازمند تفسیر «میکروسکوپی» از حقوق حاکم بر مخاصمات است که به نتایج دقیق و ظریفی منجر می‌شود. (Melzer, 2008, p. 330).

ملزر در پایان تحلیل خود نتیجه می‌گیرد که هر ترور هدفمندی که متوجه یک هدف نظامی مشروع نباشد، مشمول پارادایم اجرای قانون باقی می‌ماند که محدودیت‌های گسترده‌ای را بر این

¹ hostilities

² ICTY

³ Tadić

عمل اعمال می‌کند. (Melzer, 2008, p. 331) حتی در چارچوب مخاصمات، اصول تفکیک، احتیاط و تناسب باید به طور کامل رعایت شوند. دانشمندان هسته‌ای و دانشگاهیان ایرانی «هدف نظامی» تلقی نمی‌شوند و حمله به آنان فاقد هرگونه مزیت نظامی مستقیم و قطعی بود. این تحلیل نشان می‌دهد که حملات خرداد ۱۴۰۴ مصداق نقض آشکار حقوق بشردوستانه بین‌المللی است (Melzer, 2008, pp. 274-280).

۲.۳. ابعاد حقوقی و پیامدهای ترور هدفمند در عرصه بین‌المللی

از منظر حقوق بشر، علم به عنوان «کالای عمومی جهانی» شناسایی شده و دانشمندان نقش محوری در تحقق حق همگانی دسترسی به علم ایفا می‌کنند. (UNESCO, 2017, para. 27) اسناد بین‌المللی، از ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱ تا توصیه‌نامه یونسکو درباره دانشمندان (UNESCO, 2017, paras. 43-45)، بر ضرورت حفاظت فیزیکی، آزادی علمی و امنیت محیط فعالیت پژوهشی تأکید دارند. ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد: «هر کس حق دارد آزادانه در حیات علمی جامعه شرکت جوید و از پیشرفت‌های علمی و ثمرات آن بهره‌مند گردد». (UDHR, 1948, Art. 27) در همین راستا، گزارشگران ویژه سازمان ملل دولت‌ها را مکلف می‌کنند که در شرایط بحران و مخاصمه، حمایت‌های ویژه‌ای از جامعه علمی به عمل آورند (UN Special Rapporteur on extrajudicial executions, 2012, para. 72). ترور دانشمندان و حمله به مراکز علمی در جنگ ۱۲ روزه خرداد ۱۴۰۴ را نمی‌توان صرفاً اقدامی امنیتی یا نظامی تلقی کرد؛ این اقدامات در واقع تعرض مستقیم به بنیان‌های علمی، حقوق بشری و میراث علمی یک ملت و لطمه‌ای بر منافع علمی جامعه جهانی محسوب می‌شود. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل در تفسیر عمومی شماره ۲۵ (۲۰۲۰)^۲ تأکید کرده است که حمله به دانشمندان تنها نقض حق حیات نیست،

^۱ ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸): بند ۱: هر کس حق دارد آزادانه در حیات فرهنگی جامعه شرکت جوید، از هنرها بهره‌مند گردد و در پیشرفت علمی و مزایای حاصل از آن سهیم باشد. بند ۲: هر کس حق دارد از حمایت منافع مادی و معنوی ناشی از هر گونه تولید علمی، ادبی یا هنری که پدیدآورنده آن است، برخوردار گردد.

^۲ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل (UN CESCR) در تفسیر عمومی شماره ۲۵ (۲۰۲۰) که با شماره سند E/C.12/GC/25 منتشر شده است، به شرح و بسط ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پرداخته و تأکید کرده است که حق بر علم، شامل حق مشارکت در پیشرفت علمی و حق بهره‌مندی از کاربردهای آن می‌شود. (UN CESCR, 2020, paras. 9-11) این تفسیر عمومی تصریح می‌دارد که علم بر اساس تعریف یونسکو، شامل علوم طبیعی و اجتماعی بوده و مبتنی بر کنکاش انتقادی و ابطال‌پذیری است (همان، بندهای ۴-۵). همچنین دولت‌ها موظفند «حداکثر منابع در دسترس خود را برای تحقق کامل حق مشارکت در و بهره‌مندی از پیشرفت علمی و کاربردهای

بلکه نقض مجموعه‌ای از حقوق فردی، جمعی، علمی و توسعه‌ای است (UN CESCR, General Comment No. 25, 2020, para. 42). در سطح بین‌المللی، این عملیات‌ها نه تنها حاکمیت دولت هدف را نقض می‌کنند، بلکه اعتماد به نهادهای بین‌المللی مانند آژانس بین‌المللی انرژی اتمی^۱ را تضعیف می‌کنند (Findlay, 2015, pp. 87-89). این مسئله در منازعه خرداد ۱۴۰۴ نیز قابل مشاهده بود؛ زیرا حمله به دانشمندان هسته‌ای ایران پیامدهای مستقیمی بر نظام نظارتی آژانس داشت و باعث اختلال در ارزیابی‌ها و روندهای بازرسی شد.

در نتیجه، ترور هدفمند دانشمندان ایرانی در منازعه مسلحانه خرداد ۱۴۰۴، چه در چارچوب اجرای قانون و چه در چارچوب مخاصمات مسلحانه ارزیابی شود، فاقد مشروعیت حقوقی است و نقض آشکار تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در قبال حق حیات، حق بر علم و اصول بنیادین حقوق بشردوستانه محسوب می‌شود.

۲.۴. معیارهای مشروعیت حقوقی ترور هدفمند

در صورت وجود مخاصمه مسلحانه، ارزیابی مشروعیت عملیات نظامی از جمله ترور هدفمند، بر اساس قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه صورت می‌پذیرد. پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۷۷ مهم‌ترین سند نوشته در این زمینه است، هرچند بسیاری از قواعد آن جنبه عرفی دارند. سه اصل بنیادین در این چارچوب باید رعایت شوند:

اصل تفکیک

اصل تفکیک^۲ که در ماده ۴۸ و ۵۱(۲) پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷^۳ مقرر شده، دولت‌ها را موظف

آن» به کار گیرند (همان، بند ۲۳). از منظر این سند، ایجاد فضای ناامن برای پژوهشگران یا تخریب عامدانه زیرساخت‌های علمی، نقض مستقیم تعهدات دولت‌ها در قبال حق بر علم محسوب می‌شود (همان، بند ۲۸).

^۱ IAEA

^۲ Distinction

^۳ پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۷۷) در ماده ۴۸ قاعده بنیادین تفکیک را این گونه مقرر می‌دارد: «به منظور تأمین احترام و حمایت از جمعیت غیرنظامی و اهداف غیرنظامی، طرف‌های درگیر باید همواره میان جمعیت غیرنظامی و رزمندگان، و همچنین میان اهداف غیرنظامی و اهداف نظامی تمایز قائل شوند و بر این اساس، عملیات خود را تنها به سمت اهداف نظامی هدایت نمایند. (Additional Protocol I, 1977, Art. 48) «همچنین ماده ۵۱(۲) همان پروتکل تصریح می‌کند: «جمعیت غیرنظامی به عنوان یک کل، و همچنین افراد غیرنظامی به صورت انفرادی، نباید هدف حمله قرار گیرند. اعمال یا تهدید به خشونت که هدف اصلی آن ایجاد وحشت در میان جمعیت غیرنظامی باشد، ممنوع است» (Additional Protocol I, 1977, Art. 51(2)). بر اساس این اصول، هدف‌گیری مستقیم دانشمندان ایرانی به عنوان افرادی که در مخاصمه مشارکت مستقیم ندارند، نقض آشکار قاعده بنیادین تفکیک و ممنوعیت حمله به غیرنظامیان

می‌کند که همواره میان جمعیت غیرنظامی و رزمندگان، و میان اهداف غیرنظامی و اهداف نظامی تمایز قائل شوند. ماده ۵۱(۲) پروتکل اول به صراحت مقرر می‌دارد: «جمعیت غیرنظامی به عنوان یک کل و همچنین افراد غیرنظامی نباید مورد حمله قرار گیرند. اعمال خشونت‌آمیز یا تهدید به خشونت که هدف اصلی آن ایجاد وحشت در میان جمعیت غیرنظامی باشد، ممنوع است» (Additional Protocol I, 1977, Art. 51(2)). مشارکت دارند می‌توانند هدف حمله مستقیم قرار گیرند.

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در راهنمای تفسیری خود تحت عنوان «راهنمای تفسیری مفهوم مشارکت مستقیم در خصومت‌ها» (Interpretive Guidance on the Notion of Direct Participation in Hostilities, 2009) که توسط نیلز ملزر تدوین شده است، تأکید می‌کند که «مشارکت مستقیم در خصومت‌ها» تنها در صورتی محقق می‌شود که سه شرط تجمعی احراز گردد: (۱) آستانه معین از ضرر^۱، (۲) رابطه علی مستقیم^۲، و (۳) ارتباط با عملیات نظامی طرفین مخاصمه (Belligerent Nexus) (ICRC, 2009, pp. 46-64). این راهنما به صراحت بیان می‌دارد که فعالیت علمی، مدیریتی یا پژوهشی در صنایع دواکاربرده، به خودی خود مصداق مشارکت مستقیم محسوب نمی‌شود، مگر آن‌که فرد نقش فوری، عملیاتی و نظامی داشته باشد. (ICRC, 2009, p. 47) در مورد دانشمندان هدف قرار گرفته در خرداد ۱۴۰۴، هیچ دلیل معتبری برای مشارکت عملیاتی آن‌ها ارائه نشده است.

اصل احتیاط در حمله

اصل احتیاط^۳ در حمله در ماده ۵۷ پروتکل اول الحاقی^۴ ۱۹۷۷ تنظیم شده است. این ماده یکی از

محسوب می‌شود. استناد به اصطلاح «کاربری دوگانه» (dual-use) «فعالیت‌های علمی نمی‌تواند این حملات را توجیه کند، مگر آنکه اثبات شود دانشمند مورد نظر مستقیماً و در زمان حمله، نقشی فوری و عملیاتی در عملیات نظامی ایفا می‌کرده است. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC, 2009, p. 47) به صراحت بیان داشته است که فعالیت‌های پژوهشی و علمی در صنایع دواکاربردی، به خودی خود مصداق مشارکت مستقیم در خصومت‌ها نیست.

¹ Threshold of Harm

² Direct Causation

³ Precautions in Attack

^۴ ماده ۵۷ پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷، قاعده بنیادین «احتیاط در حمله» (Precautions in Attack) را تنظیم می‌کند. بند

۱ این ماده مقرر می‌دارد که «در اجرای عملیات نظامی، همواره باید مراقبت لازم برای حفظ امنیت جمعیت غیرنظامی، افراد غیرنظامی و اهداف غیرنظامی به عمل آید». (Additional Protocol I, 1977, Art. 57(1)). بر اساس بند ۲(الف)(i)،

کسانی که حمله را طرح‌ریزی یا تصمیم‌گیری می‌کنند باید «هر اقدام عملاً ممکن را برای احراز این امر انجام دهند که اهداف مورد نظر غیرنظامی نبوده و اهداف نظامی هستند». همچنین بند ۲(ج) مقرر می‌دارد که «در مورد حملاتی که ممکن

اصل تناسب^۱ در ماده ۵۱(۵)(ب) پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷^۲ تعریف شده است. بر این اساس، حملاتی که انتظار می‌رود تلفات غیرنظامی یا خسارات وارده به اهداف غیرنظامی را به طور واضح بیش از حد نسبت به مزیت نظامی مستقیم و مشخص مورد انتظار ایجاد کنند، ممنوع است (Additional Protocol I, 1977, Art. 51(5)(b)). هیچ مزیت نظامی قابل اثباتی از سوی دولت مهاجم ارائه نشده است؛ در حالی که تلفات انسانی سنگین، از جمله زنان و کودکان، محرز بوده است. کارشناسان حقوق بین‌الملل بشردوستانه تأکید می‌کنند که حمله عمدی به افراد غیرنظامی که مشارکت مستقیم در خصومت‌ها ندارند، مصداق جنایت جنگی تحت ماده ۸(۲)(i) (a) اساسنامه رم است (Daniele, 2024; Rome Statute, 1998, Art. 8(2)(b)(i)). همچنین، حمله با علم به اینکه تلفات جانبی غیرنظامیان به طور واضح بیش از حد خواهد بود، می‌تواند مصداق ماده ۸(۲)(b)(iv) اساسنامه رم باشد (Rome Statute, 1998, Art. 8(2)(b)(iv); Daniele, 2024). بنابراین، عملیات‌های خرداد ۱۴۰۴ بی‌تناسب، بی‌تمایز و غیرقانونی بوده‌اند.

در نهایت اینکه، مشروعیت حقوقی ترور هدفمند، به‌ویژه در بستر مخاصمات مسلحانه، به شدت به رعایت قواعد ذیل وابسته است (Melzer, 2008, pp. 274-280). ضرورت نظامی: اقدام باید برای دستیابی به یک هدف نظامی مشروع ضروری باشد. این اصل بیان می‌دارد که تنها اقدامات لازم برای تضعیف توان نظامی دشمن مجاز است. تفکیک: حمله باید میان افراد غیرنظامی و رزمندگان، و میان اهداف غیرنظامی و اهداف نظامی تمایز قائل شود. افراد غیرنظامی و اهداف غیرنظامی از حمایت قانونی برخوردارند و نباید مورد حمله مستقیم قرار گیرند.

¹ Proportionality

^۲ ماده ۵۱(۵)(ب) پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ مقرر می‌دارد که حمله‌ای که انتظار می‌رود تلفات جانبی غیرنظامیان، جراحات وارد به غیرنظامیان، خسارات وارده به اهداف غیرنظامی، یا ترکیبی از آنها را به طور واضح بیش از حد در مقایسه با مزیت نظامی مستقیم و مشخص مورد انتظار ایجاد کند، به عنوان «حمله بی‌رویه» (indiscriminate attack) تلقی شده و ممنوع است (Additional Protocol I, 1977, Art. 51(5)(b)). این قاعده که به عنوان «اصل تناسب» (Proportionality) در حملات شناخته می‌شود، یک قاعده عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه است که هم در مخاصمات بین‌المللی و هم در مخاصمات غیربین‌المللی قابل اعمال می‌باشد. در حملات خرداد ۱۴۰۴ علیه دانشمندان ایرانی، نه تنها هیچ مزیت نظامی مستقیم و مشخصی ارائه نشده است، بلکه تلفات سنگین غیرنظامیان (از جمله اعضای خانواده قربانیان در منازل مسکونی) به طور واضح بیش از هر مزیت قابل تصویری بوده و بنابراین این حملات مصداق بارز نقض اصل تناسب محسوب می‌شوند. مطابق با ماده ۸۵(۳)(ب) همان پروتکل، انجام چنین حمله‌ای از روی عمد و با آگاهی از عواقب آن، «تخلف فاحش» (Grave Breach) محسوب شده و جنایت جنگی قابل تعقیب خواهد بود.

تناسب: خسارات جانبی پیش‌بینی‌شده برای غیرنظامیان یا اهداف غیرنظامی نباید بیش از حد انتظار منفعت نظامی مستقیم و مشخصی باشد که از حمله حاصل می‌شود. استفاده از زور کشنده نمی‌تواند اولین یا ساده‌ترین گزینه دولت باشد.

احتیاط در حمله: طرف‌های درگیر باید تمام اقدامات احتیاطی ممکن را برای اجتناب یا حداقل کاهش خسارات وارده به غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی به عمل آورند (Additional Protocol I, 1977, Art. 57).

حق حیات و حقوق بنیادین بشر: حتی در مخاصمات مسلحانه، حق حیات به عنوان یک حق بنیادین بشر، تنها در شرایط بسیار محدود و مشخص (مانند درگیری مستقیم یک رزمنده) قابل سلب است. سلب خودسرانه جان افراد، حتی اگر در گذشته مرتکب جرایمی شده باشند، ممنوع است. کمیته حقوق بشر سازمان ملل در تفسیر عمومی شماره ۳۶ (۲۰۱۸) تصریح کرده است که نقض اصول تفکیک، تناسب و احتیاط در حمله، نقض ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی (حق حیات) نیز محسوب می‌شود (UN Human Rights Committee, General Comment No. 36, 2018, para. 64; Todeschini, 2019).

هیچ‌یک از معیارهای فوق در ترورهای دانشمندان ایرانی از فخری‌زاده (۲۰۲۰) تا شهدای جنگ خرداد ۱۴۰۴، نه از سوی دولت عامل ادعا و نه اثبات شده‌اند. همان‌طور که در مقدمه به استناد گزارش کالامارد (۲۰۲۰، بند ۴۳) اشاره شد، ترور فخری‌زاده واجد ویژگی‌های بارز یک اعدام فراقضایی برنامه‌ریزی‌شده توسط دولت خارجی است (UN Human Rights Council, 2020, A/HRC/44/38, para. 43). این ارزیابی، از منظر حقوق بشر، غیرقانونی بودن مطلق ترور را تأیید می‌کند.

طبق حقوق بین‌الملل بشردوستانه، افراد غیرنظامی نباید مورد حمله قرار گیرند. با این حال، اگر فردی غیرنظامی «مشارکت مستقیم در خصومت‌ها» داشته باشد، می‌تواند هدف حمله قرار گیرد. تعیین اینکه چه کسی در حال «مشارکت مستقیم» است، معیارهای دقیقی دارد (ICRC, 2009, pp. 46-64). صرف داشتن دانش فنی یا تعلق به یک ملت خاص، به معنای مشارکت مستقیم تلقی نمی‌شود. حمله به افراد صرفاً به دلیل موقعیت علمی یا تخصصی‌شان، بدون اثبات مشارکت مستقیم در خصومت‌ها، نقض آشکار حقوق بین‌الملل بشردوستانه محسوب می‌شود (Rome Statute, 1998, Art. 8(2)(b)(i)).

حقوق بشر، که در زمان صلح حاکم است، با وضعیت مخاصمه مسلحانه «به‌طور کامل از بین نمی‌رود». بلکه برخی از حقوق مانند حق حیات، تحت شرایط خاصی که در حقوق بشردوستانه تعریف شده، قابل محدود شدن است (UN Human Rights Committee, 2018, para. 64). با این

حال، حتی در مخاصمات، سلب حق حیات باید کاملاً قانونی، ضروری و متناسب باشد. سلب هدفمند جان افراد، به ویژه کسانی که در مخاصمه دخیل نیستند، نقض صریح حق حیات به شمار می‌رود.

ترور هدفمند غیرقانونی، به‌ویژه اگر به صورت گسترده و سیستماتیک علیه جمعیت غیرنظامی صورت گیرد، می‌تواند مصداق جنایت جنگی یا حتی جنایت علیه بشریت تلقی شود. طبق اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی، ارتکاب قتل عمدی، رفتار غیرانسانی، یا سایر اقدامات مشابه که علیه بخشی از جمعیت غیرنظامی صورت می‌گیرد، می‌تواند در زمره این جرایم قرار گیرد (Rome Statute, 1998, Art. 7 & 8).

در بخش بعدی، به بررسی وضعیت حقوقی منازعه مسلحانه خرداد ۱۴۰۴ و جایگاه دانشمندان ایرانی در این چارچوب خواهیم پرداخت.

بخش سوم: وضعیت حقوقی منازعه مسلحانه خرداد ۱۴۰۴ و جایگاه دانشمندان ایرانی

این بخش به تحلیل چارچوب حقوقی حاکم بر منازعه مسلحانه در خرداد ۱۴۰۴ و تعیین وضعیت دانشمندان ایرانی در این بستر خاص می‌پردازد. هدف، روشن ساختن این نکته است که آیا این منازعه، واجد شرایط لازم برای اعمال حقوق بین‌الملل بشردوستانه بوده و جایگاه دانشمندان در این میان چگونه تعریف می‌شود.

۳.۱. احراز وضعیت مخاصمه مسلحانه

برای اعمال حقوق بین‌الملل بشردوستانه، لازم است که وضعیت موجود، واجد شرایط یک «مخاصمه مسلحانه» باشد. همان‌طور که در بخش ۲-۲ به استناد رأی دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ (1995, para. 70) تشریح شد، مخاصمه مسلحانه بین‌المللی زمانی محقق می‌شود که توسل به نیروی مسلح بین دو یا چند دولت وجود داشته باشد (رجوع شود به بخش ۲-۲).

طبق ماده ۲ مشترک کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹، مخاصمه مسلحانه به دو دسته کلی تقسیم می‌شود: مخاصمات مسلحانه بین‌المللی که میان دو یا چند دولت رخ می‌دهد.

مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی که در قلمرو یک دولت میان نیروهای مسلح دولتی و گروه‌های مسلح سازمان‌یافته یا میان خود گروه‌های مسلح رخ می‌دهد.

با توجه به گزارش‌های موجود و ماهیت درگیری‌های اخیر در منطقه که بین نیروهای مسلح اسرائیل

و ایران رخ داده است، منازعه خرداد ۱۴۰۴ بدون شک واجد شرایط لازم برای احراز عنوان «مخاصمه مسلحانه بین‌المللی» بوده است. در نتیجه، اعمال قواعد کامل حقوق بشردوستانه از جمله پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ الزامی و اجتناب‌ناپذیر است.

۳.۲. وضعیت حقوقی دانشمندان در مخاصمات مسلحانه

طبق اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تمایز میان رزمندگان و غیرنظامیان، سنگ بنای حمایت از افراد در مخاصمات است.

الف) تعریف غیرنظامی

طبق ماده ۵۰(۱) پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷، «غیرنظامی شخصی است که عضو نیروهای مسلح طرف مخاصمه نباشد». (Additional Protocol I, 1977, Art. 50(1)) این تعریف منفی، شامل تمام افرادی می‌شود که رزمنده نیستند. همچنین قاعده «فرض غیرنظامی بودن» در بند ۱ همین ماده مقرر شده است: «در صورت تردید در مورد اینکه شخصی غیرنظامی است یا خیر، او باید غیرنظامی محسوب شود». (Additional Protocol I, 1977, Art. 50(1))

ب) دانشمندان در وضعیت مخاصمه

از نظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه، دانشمندان را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. فعال در پروژه‌های تماماً غیرنظامی: دارای وضعیت غیرنظامی کامل و تحت حمایت کامل قواعد حقوق بشردوستانه.

۲. فعال در پروژه‌های دوگانه کاربرد^۱: دارای وضعیت غیرنظامی هستند، مگر آن‌که مشارکت مستقیم در خصومت‌ها^۲ برای آن‌ها اثبات شود. معیارهای احراز مشارکت مستقیم در خصومت‌ها در بخش ۴-۲ به تفصیل تشریح شده است رجوع شود به ICRC, 2009, pp. 46-64.

بر این اساس، فعالیت علمی یا پژوهشی بدون نقش عملیاتی مستقیم، مصداق مشارکت مستقیم در خصومت‌ها محسوب نمی‌شود.

¹ Dual-Use

² DPH

۳. فعال در پروژه‌های نظامی در حال عملیات: در صورتی که دانشمندان مستقیماً و در زمان مخاصمه، در عملیات نظامی (مانند هدایت سلاح، شناسایی نظامی، یا خرابکاری) مشارکت داشته باشند، ممکن است هدف مشروع قرار گیرند.

دانشمندان به طور معمول اعضای نیروهای مسلح یا رزمندگان محسوب نمی‌شوند، مگر آنکه به طور مشخص و رسمی در ساختار نیروهای مسلح گنجانده شده و وظایف نظامی بر عهده داشته باشند. بسیاری از دانشمندان، حتی کسانی که در پروژه‌های دفاعی یا تحقیقات مرتبط با امنیت ملی فعالیت می‌کنند، اگر صرفاً وظایف علمی و تحقیقاتی خود را بر عهده داشته باشند و مستقیماً در عملیات‌های نظامی مشارکت نداشته باشند، همچنان «غیرنظامی» تلقی می‌شوند. (ICRC, 2009, p. 47)

۳.۳. حمایت از دانشمندان در چارچوب حقوق بشر (نسل‌های حقوق بشر)

بررسی حمایت از دانشمندان در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، تحلیل حملات اخیر علیه نخبگان علمی ایران را ضروری می‌سازد. این بررسی نشان می‌دهد که چنین اقداماتی نه تنها نقض یک حق فردی، بلکه تعرضی چندلایه به مجموعه‌ای از حقوق نسل‌های مختلف بشر است. چارچوب «نسل‌های حقوق بشر» که نخستین بار توسط کارل واساک در دهه ۱۹۷۰ معرفی شد، ابزار مفهومی دقیقی برای تحلیل این نقض‌ها فراهم می‌کند:

حقوق نسل اول (مدنی و سیاسی): این حقوق، شامل حق حیات، آزادی و امنیت افراد، پایه حفاظت از شهروندان را تشکیل می‌دهد. حق حیات، به عنوان مهم‌ترین حق نسل اول که در ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR, 1966, Art. 6) شناسایی شده و دارای جایگاهی آمره در حقوق بین‌الملل است، حتی در زمان مخاصمات مسلحانه نیز قابل تعلیق نیست و سلب خودسرانه حیات افراد ممنوع است (رجوع شود به تفسیر عمومی شماره ۳۶ کمیته حقوق بشر، ۲۰۱۸، بند ۶۴). بنابراین، ترور دانشمندان غیرنظامی، به‌ویژه در جریان درگیری‌ها، نقض مستقیم و غیرقابل توجیه این تعهد بنیادین محسوب می‌شود.

حقوق نسل دوم (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی): این نسل از حقوق، نگاه گسترده‌تری به جایگاه دانشمندان دارد. بر اساس ماده ۱۵ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR, 1966, Art. 15)، هر فرد حق مشارکت در زندگی علمی و بهره‌مندی از منافع پیشرفت علمی را دارد. حذف فیزیکی دانشمندان، علاوه بر نقض حق فردی آنان، جامعه را از دسترسی به دانش، انتقال فناوری و توسعه مبتنی بر علم محروم می‌سازد. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل (UN

(CESCR) در تفسیر عمومی شماره ۲۵ (۲۰۲۰) نیز بر لزوم فراهم آوردن محیطی امن و عاری از تهدید برای فعالیت علمی تأکید کرده و هرگونه ارباب یا خشونت علیه دانشمندان را نقض مستقیم تعهدات بین‌المللی دولت‌ها دانسته است. (UN CESCR, General Comment No. 25, 2020, para. 42).

حقوق نسل سوم (توسعه، صلح و محیط‌زیست): این حقوق نشان می‌دهد که نقش دانشمندان فراتر از مرزهای فردی و ملی است. توسعه پایدار، امنیت غذایی، سلامت عمومی و مدیریت بحران‌های جهانی به فعالیت آزاد و امن نخبگان علمی وابسته است. تعرض به آنان، تهدیدی علیه حق توسعه تلقی می‌شود؛ حقی که همه دولت‌ها مسئولیت جمعی در حمایت از آن دارند.

در نتیجه، ترور دانشمندان غیرنظامی، هم‌زمان حقوق نسل اول (حق حیات و امنیت شخصی)، نسل دوم (حق مشارکت در علم و بهره‌مندی از نتایج آن) و نسل سوم (حق توسعه) را نقض می‌کند. با توجه به مطلق بودن حق حیات و جایگاه بنیادین امنیت شخصی در نظام حقوق بشر، چنین اقداماتی مسئولیت بین‌المللی دولت مرتکب را فعال کرده و مشروعیت هرگونه توجیه امنیتی را به طور جدی زیر سؤال می‌برد. (UN Human Rights Committee, General Comment No. 36, 2018, para. 64).

هرگونه حمله هدفمند علیه دانشمندان ایرانی در خرداد ۱۴۰۴، اگر بدون اثبات «مشارکت مستقیم در خصومت‌ها» و صرفاً به دلیل جایگاه علمی یا ملیتی آنان صورت گرفته باشد، به منزله نقض آشکار وضعیت غیرنظامی ایشان و قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. این امر می‌تواند مبنای مسئولیت کیفری بین‌المللی برای عاملان و مسئولان این اقدامات قرار گیرد. در بخش بعدی، به تحلیل حقوقی این ترورها در پرتو حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و بررسی مسئولیت‌های بین‌المللی خواهیم پرداخت.

بخش چهارم: تحلیل حقوقی ترور هدفمند دانشمندان ایرانی در پرتو حقوق بشر و حقوق بشردوستانه

پیش از جنگ ۱۲ روزه خرداد ۱۴۰۴، مجموعه‌ای از عملیات‌های برنامه‌ریزی‌شده علیه نخبگان علمی ایران صورت گرفت که در ادبیات امنیتی تحت عنوان «ناتوان‌سازی راهبردی ظرفیت علمی و پژوهشی» شناخته می‌شود. ترور دانشمندان ایرانی، از جمله فیزیکدانان هسته‌ای، متخصصان مواد، مهندسان برق و پژوهشگران دفاعی، الگوی روشنی از «حذف هدفمند» را به نمایش می‌گذارد که با استانداردهای حقوق بشری و بشردوستانه در تضاد کامل است.

نمونه‌های بارز این ترورها عبارتند از (PBS NewsHour, 2012; Bergman & Fassihi, New York Times, 2021):

مجید شهریاری (۲۰۱۰): فیزیک هسته‌ای؛ ترور با بمب مغناطیسی در تهران.

داریوش رضایی‌نژاد (۲۰۱۱): مهندسی برق؛ ترور با شلیک مستقیم.

مصطفی احمدی‌روشن (۲۰۱۲): مواد و سوخت هسته‌ای؛ ترور با بمب مغناطیسی.

محسن فخری‌زاده (۲۰۲۰): استاد فیزیک و معاون وزیر دفاع؛ ترور با سیستم نیمه‌خودکار مسلح از راه دور.

در جریان جنگ ۱۲ روزه ۱۴۰۴، این الگو ابعاد گسترده‌تری به خود گرفت و دانشمندان در منازل یا محل سکونت خود مورد حمله قرار گرفتند. ویژگی مشترک تمامی این افراد، غیرنظامی بودن و عدم مشارکت مستقیم در عملیات نظامی بود. این نکته در تحلیل حقوقی از اهمیت محوری برخوردار است، زیرا این افراد را تحت حمایت کامل حقوق بشر و حقوق بشردوستانه قرار می‌دهد. این مصادیق نشان می‌دهند که ترور دانشمندان و حمله به زیرساخت‌های علمی در جنگ ۱۲ روزه، نه یک حادثه منفرد، بلکه بخشی از یک الگوی سیستماتیک «حمله به ظرفیت علمی» بوده است؛ الگویی که ذاتاً بر خلاف اصول بنیادین حقوق بین‌الملل است.

۴.۱. ترور هدفمند دانشمندان؛ نقض حقوق بشر

ترور هدفمند دانشمندان فعال در حوزه‌های حساس مانند انرژی هسته‌ای، زیست‌فناوری و فناوری‌های دوگانه، در سال‌های اخیر به عنوان ابزاری برای تضعیف ظرفیت‌های راهبردی دولت‌ها در چارچوب جنگ‌های نامتقارن مورد استفاده قرار گرفته است. از منظر حقوق بین‌الملل عمومی، این اقدامات با اصل بنیادین منع توسل به زور در تعارض قرار دارند. طبق ماده ۲(۴) منشور ملل متحد، هرگونه تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت‌ها ممنوع است و دفاع مشروع موضوع ماده ۵۱ تنها در صورت تحقق شرایطی سخت‌گیرانه قابل اعمال است (UN Charter, 1945, Arts. 2(4), 51). دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه Nicaragua v. United States (1986) معیارهایی نظیر وقوع حمله مسلحانه، ضرورت فوری و تناسب پاسخ را برای توسل به دفاع مشروع مقرر کرده است (ICJ, 1986, para. 194).

در چارچوب حقوق بشر، حق حیات به عنوان هسته اصلی نظام حمایتی حقوق بشر در ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تضمین شده است. (ICCPR, 1966, Art. 6). همان‌طور که در بخش ۴-۲ به استناد تفسیر عمومی شماره ۳۶ کمیته حقوق بشر (۲۰۱۸) تشریح شد، قتل‌های فراقضایی و محروم‌سازی خودسرانه از حیات مطلقاً ممنوع است (رجوع شود به UN Human Rights Committee, 2018, paras. 12, 64).

فعالیت علمی در حوزه‌های حساس، به خودی خود موجب خروج اشخاص از شمول حمایت‌های حقوق بشری نمی‌شود. همان‌گونه که در ادبیات حقوقی بین‌الملل تأکید شده است، مشارکت علمی یا پژوهشی بدون نقش عملیاتی مستقیم، مشارکت در مخاصمه تلقی نمی‌شود و نمی‌تواند مبنای مشروع سلب حق حیات قرار گیرد. (Kretzmer, 2005, p. 179; Melzer, 2008, p. 275)

هیچ سند یا شهادی مبنی بر مشارکت فعال و مستقیم دانشمندان ترور شده در عملیات نظامی وجود ندارد؛ بنابراین، عملیات علیه آنان یک قتل فراقضایی محسوب می‌شود. ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز حق امنیت شخصی را تضمین می‌کند. (ICCPR, 1966, Art. 9) کشتن افراد بدون فرایند قضایی نقض آشکار میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است؛ حتی در زمان مخاصمه، تعهدات حقوق بشری «قابل اعمال» باقی می‌مانند، به‌ویژه در عملیات فرامرزی (ICJ, Nuclear Weapons Advisory Opinion, 1996, para. 25; ICJ, Wall Advisory Opinion, 2004, para. 106). در بستر حقوق بشر، ترور هدفمند دانشمندان، به‌ویژه اگر خارج از چارچوب یک مخاصمه مسلحانه یا بدون رعایت کامل قواعد مربوط به ضرورت و تناسب صورت گرفته باشد، نقض صریح و غیرقابل اغماض حق حیات و سایر حقوق بنیادین بشر تلقی می‌شود.

۴.۲. ترور هدفمند دانشمندان؛ نقض حقوق بشردوستانه

در چارچوب حقوق بین‌الملل بشردوستانه، اصول بنیادینی برای حفاظت از غیرنظامیان و محدود کردن خشونت در جنگ تعیین شده است. پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ (مواد ۴۸، ۵۱، ۵۲ و ۵۷) بر سه اصل کلیدی تأکید می‌کند: اصل تفکیک، اصل تناسب و اصل احتیاط (Additional Protocol I, 1977, Arts. 48, 51(2), 51(5)(b), 57; ICRC Customary IHL Database, Rule 1 & Rule 15). این اصول در بخش ۲-۴ به تفصیل تشریح شده‌اند (رجوع شود به بخش ۴-۲).

دانشمندان ایرانی در حوزه هسته‌ای، به دلیل عدم داشتن نقش عملیاتی مستقیم در مخاصمات، به عنوان غیرنظامی محسوب می‌شوند. راهنمای تفسیری کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (2009) به صراحت بیان می‌کند که فعالیت پژوهشی، مدیریتی یا فنی در صنایع دواکربردی یا دوگانه معادل مشارکت مستقیم در خصومت نیست. (ICRC, 2009, p. 47) این راهنما تأکید می‌کند: «غیرنظامیان ممکن است هدف حمله مستقیم قرار نگیرند، مگر و تا زمانی که مستقیماً در خصومت‌ها مشارکت داشته باشند». (ICRC, 2009, Foreword)

بر این اساس، ترور دانشمندان ایرانی در جنگ ۱۲ روزه خرداد ۱۴۰۴، نقض فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه محسوب می‌شود و شامل موارد زیر است:

نقض اصل تفکیک: ترور دانشمندان به عنوان غیرنظامی که مستقیماً در خصومت‌ها مشارکت ندارند، مستقیماً این اصل را نقض می‌کند (Additional Protocol I, 1977, Art. 51(2); Rome Statute, 1998, Art. 8(2)(b)(i)).

نقض اصل تناسب: حملات به مناطق مسکونی در صورتی که ضرورت نظامی آن اثبات نشود و تلفات غیرنظامی به طور واضح بیش از حد نسبت به مزیت نظامی مورد انتظار باشد، اصل تناسب را نقض می‌کند (Additional Protocol I, 1977, Art. 51(5)(b); Rome Statute, 1998, Art. 8(2)(b)(iv)).

نقض اصل احتیاط: انجام عملیات در منازل افراد با احتمال حضور اعضای خانواده و غیرنظامیان، بدون ارائه هشدار قبلی مؤثر، نقض اصل احتیاط به شمار می‌رود (Additional Protocol I, 1977, Art. 57).

نامه وزیر علوم ایران به یونسکو به نکته مهمی درباره محل وقوع حملات اشاره می‌کند: «در یک اقدام ناجوانمردانه، منزل مسکونی دکتر مسعود شمس‌بخش، معاون وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، واقع در مجتمع مسکونی اساتید، تعمداً در این حملات تخریب شد. متأسفانه یکی از دخترانش کشته و دیگری از ناحیه بازو به شدت مورد آسیب قرار گرفت». همچنین، «به همان اندازه هولناک، حمله وحشیانه به مهندس محمدرضا ذاکریان، متخصص برجسته هوش مصنوعی بود که به همراه همسر و کودکان بی‌گناهِش در منزلشان به شهادت رسیدند» (Simaei Sarraf, 2025). این توصیفات نشان می‌دهد که حملات نه تنها متوجه دانشمندان به عنوان افراد غیرنظامی بوده، بلکه در منازل مسکونی و در کنار اعضای خانواده انجام شده است که نقض آشکار اصل احتیاط در حمله (ماده ۵۷ پروتکل اول) و اصل تفکیک (ماده ۵۱) محسوب می‌شود.

از منظر حقوق کیفری بین‌المللی، این نقض‌ها می‌تواند در قالب موارد زیر صورت گیرد:

قتل عمدی: ماده ۸(۲)(a)(i) اساسنامه رم، قتل عمدی را به عنوان جنایت جنگی تعریف کرده است (Rome Statute, 1998, Art. 8(2)(a)(i)).

حملات عمدی علیه غیرنظامیان: ماده ۲(۸)(b)(i) اساسنامه رم و ماده ۵۱(۲) پروتکل الحاقی اول، حمله مستقیم به جمعیت غیرنظامی یا افراد غیرنظامی را ممنوع کرده است (Rome Statute, 1998, Art. 8(2)(b)(i); Additional Protocol I, 1977, Art. 51(2)).

این تحلیل نشان می‌دهد که ترور دانشمندان ایرانی در جنگ ۱۲ روزه نه تنها نقض حقوق بشر است، بلکه نقض عمیق و فاحش اصول بنیادین حقوق بشردوستانه بوده و باید به عنوان جرائم جنگی شناخته و پیگرد قانونی آن‌ها صورت گیرد.

۴.۳. مسئولیت دولت مهاجم در پرتو حقوق بین الملل بشردوستانه و حقوق بشر

با احراز نقض هم‌زمان قواعد حقوق بشردوستانه و حقوق بشر در قالب ترور هدفمند دانشمندان غیرنظامی در جریان مخاصمه خرداد ۱۴۰۴، مسئولیت بین‌المللی دولت مهاجم فعال می‌شود. چارچوب اصلی این ارزیابی بر مبنای پیش‌نویس مواد مسئولیت دولت‌ها (ARSIWA, 2001) و رویه دیوان بین‌المللی دادگستری است.

همان‌طور که در بخش ۴-۴ به تفصیل تشریح خواهد شد، دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده Barcelona Traction (1970) تأکید می‌کند که برخی حقوق، مانند منع کشتار غیرنظامیان، متعلق به جامعه بین‌المللی به طور کلی است و دارای ویژگی تعهدات عام‌الشمول^۱ می‌باشند (ICJ, Barcelona Traction, 1970, para. 33). از سوی دیگر، منع قتل خودسرانه، منع هدف‌گیری غیرنظامیان و اصول بنیادی حقوق بشردوستانه، قواعد آمره^۲ هستند.

ترور دانشمندان ایرانی در چارچوب جنگ ۱۲ روزه، نقض چندلایه اصول بنیادین حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود:

نقض مستقیم حق حیات و امنیت شخصی (حقوق بشر)

نقض اصول تفکیک، تناسب و احتیاط (حقوق بشردوستانه)

لطمه به حق توسعه و منافع جمعی بشر (تعهدات عام‌الشمول)

از منظر حقوق کیفری بین‌المللی، حمله عمدی به اماکن غیرنظامی و علمی، مطابق ماده ۸(۲)(ix) (b) اساسنامه رم، واجد وصف جنایت جنگی است. ((Rome Statute, 1998, Art. 8(2)(b)(ix)). نقض هم‌زمان قواعد بنیادین، دو سطح متمایز اما مکمل از مسئولیت را فعال می‌کند: مسئولیت بین‌المللی دولت و مسئولیت کیفری فردی مرتکبان.

۴.۴. مبانی حقوقی مسئولیت دولت‌ها بر اساس ARSIWA

پیش‌نویس مواد مسئولیت دولت‌ها برای اعمال متخلفانه بین‌المللی^۳ (ARSIWA) که در سال ۲۰۰۱

^۱erga omnes

^۲jus cogens

^۳ ARSIWA مخفف "Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts"

(مقاله‌نامه‌های راجع به مسئولیت دولت‌ها در قبال اعمال متخلفانه بین‌المللی) است. این سند در سال ۲۰۰۱ توسط

کمیسیون حقوق بین‌الملل (ILC) تصویب شد و مجمع عمومی سازمان ملل در همان سال از آن «یادداشت برداشت»

(took note) نمود و آن را به عنوان بیانگر قواعد موجود در خصوص مسئولیت دولت‌ها به دولت‌ها توصیه کرد. اگرچه

ARSIWA یک معاهده الزام‌آور نیست، اما به طور گسترده به عنوان بازتاب‌دهنده حقوق بین‌الملل عرفی (customary

توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل تصویب شد، چارچوب عام و عرفی مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را تعریف می‌کند. طبق مواد ۱ و ۲، هر فعل یا ترک فعل منتسب به دولت که ناقض تعهد بین‌المللی الزام‌آور باشد، موجب تحقق مسئولیت بین‌المللی آن دولت می‌شود. (ARSIWA, 2001, Arts. 1-2) در انطباق این معیار با وقایع خرداد ۱۴۰۴، عنصر انتساب به روشنی قابل احراز است. حملات هوایی و عملیات فرامرزی که منجر به ترور دانشمندان ایرانی و تخریب مراکز علمی می‌شوند، در صورت انجام توسط نیروهای مسلح یا نهادهای رسمی، مشمول ماده ۴ ARSIWA هستند. حتی در فرض استفاده از عوامل غیررسمی یا گروه‌های نیابتی، ماده ۸ ARSIWA و معیار «کنترل مؤثر» در قضیه نیکاراگوئه (ICJ, Nicaragua v. United States, 1986, para. 115) کفایت می‌کند. مطابق ماده ۱۱ ARSIWA، پذیرش یا تأیید بعدی عملیات نیز موجب انتساب رفتار است.

از سوی عنصر نقض، حمله به دانشمندان که فاقد مشارکت مستقیم در مخاصمه هستند، نقض آشکار تعهدات ناشی از حقوق بشردوستانه، به‌ویژه مواد ۴۸، ۵۱، ۵۲ و ۵۷ پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷، محسوب می‌شود. (Additional Protocol I, 1977, Arts. 48, 51, 52, 57) این اقدامات هم‌زمان با تعهدات حقوق بشری دولت‌ها نیز در تعارض قرار دارد. (رجوع شود به UN Human Rights Committee, 2018, para. 64).

با توجه به هم‌زمانی نقض قواعد بنیادین حقوق بشردوستانه و حقوق بشر، امکان استناد به موجهات مسئولیت منتفی است. «ضرورت» به موجب ماده ۲۵ ARSIWA تنها در شرایط خطر فوری و قطعی علیه بقا قابل طرح است و نمی‌تواند نقض تعهدات بنیادین، از جمله ممنوعیت حمله به غیرنظامیان، را توجیه کند. (ARSIWA, 2001, Art. 25) همچنین، اقدامات متقابل طبق ماده ۵۰ ARSIWA صراحتاً نمی‌توانند متضمن تعرض به جان اشخاص غیرنظامی باشند. (ARSIWA, 2001, Art. 50) در نتیجه، رفتار دولت مهاجم در مخاصمه خرداد ۱۴۰۴، از نظر انتساب و نقض تعهدات بین‌المللی، واجد وصف «عمل متخلفانه بین‌المللی» بوده و موجب مسئولیت بین‌المللی دولت، مستقل از مسئولیت کیفری فردی مرتکبان، می‌شود.

۴.۵. رویکرد حقوقی ایران و جامعه بین‌المللی

در چارچوب حقوق بین‌الملل، ایران به عنوان یکی از طرف‌های درگیر حق دارد این اقدامات را بر

(international law) در حوزه مسئولیت دولت‌ها شناخته می‌شود و دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) و دیگر

دادگاه‌های بین‌المللی به طور مکرر به آن استناد کرده‌اند. مواد این سند چارچوبی را برای احراز مسئولیت دولت در قبال اعمال متخلفانه، از جمله انتساب رفتار (مواد ۴-۱۱)، تعهدات ناشی از نقض (مواد ۲۸-۳۹)، و پیامدهای نقض قواعد آمره (مواد ۴۰-۴۱) تعیین می‌کند. (ARSIWA, 2001)

اساس مفاد معاهدات و قوانین بین‌المللی پیگیری کند. جامعه بین‌المللی نیز وظیفه دارد با ابزارهای حقوقی موجود، از جمله دیوان کیفری بین‌المللی و سایر نهادهای قضایی بین‌المللی، به رسیدگی به اینگونه اقدامات بپردازد.

دیوان بین‌المللی دادگستری^۱: دیوان عمدتاً به دعاوی بین دولت‌ها رسیدگی می‌کند. طرح دعوی مستقیم علیه اسرائیل در دیوان بین‌المللی دادگستری به دلیل عدم پذیرش صلاحیت دیوان از سوی اسرائیل دشوار است. راهکار جایگزین، درخواست نظر مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری توسط مجمع عمومی سازمان ملل است. (UN Charter, Art. 96; ICJ Statute, Art. 65) این نظر مشورتی الزام‌آور نیست، اما می‌تواند از نظر حقوقی و سیاسی راهگشا باشد.

دیوان کیفری بین‌المللی^۲: ماده ۱۲(۳) اساسنامه رم به ایران اجازه می‌دهد که در صورت عدم عضویت در اساسنامه، با اعلامیه‌ای، صلاحیت دیوان را نسبت به جرایم ارتكابی در قلمرو خود بپذیرد. اگر حملات علیه دانشمندان به عنوان جنایت جنگی مواد ۸(۲)(b)(i) و ۸(۲)(b)(iv) اساسنامه رم یا جنایت علیه بشریت (ماده ۷) تلقی شوند، و ایران صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی را طبق ماده ۱۲(۳) بپذیرد، آنگاه دیوان کیفری بین‌المللی می‌تواند صلاحیت رسیدگی داشته باشد. سایر سازوکارها: ارجاع موضوع به گزارشگران ویژه شورای حقوق بشر و اعمال اصل صلاحیت جهانی در دادگاه‌های ملی سایر کشورها از دیگر راهکارهای موجود است. در بخش پایانی، به بررسی راهکارها و پیشنهادات حقوقی برای پیشگیری از تکرار چنین اقداماتی و تضمین پاسخگویی عاملان خواهیم پرداخت.

بخش پنجم: راهکارها و پیشنهادات حقوقی برای پیشگیری و تضمین پاسخگویی

با وجود جایگاه حیاتی دانشمندان در تحقق توسعه پایدار، امنیت ملی و پیشرفت علمی بشریت، نظام حقوق بین‌الملل هنوز فاقد یک رژیم حقوقی مشخص، الزام‌آور و جامع برای حفاظت از این گروه و

^۱ ICJ

^۲ ICC

^۳ ماده ۱۲(۳) اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی (۱۹۹۸) مقرر می‌دارد: «اگر پذیرش دولتی که عضو این اساسنامه نیست مطابق بند ۲ لازم باشد، آن دولت می‌تواند با تسلیم اعلامیه‌ای به قائم مقام ثبت، صلاحیت دیوان را برای اعمال حاکمیت نسبت به جنایت مورد نظر بپذیرد. دولت پذیرنده بدون هیچ تأخیر یا استثنایی مطابق با بخش ۹ با دیوان همکاری خواهد کرد» (Rome Statute, 1998, Art. 12(3)). بر این اساس، دولت‌های غیرعضو می‌توانند صلاحیت دیوان را به صورت موردی (ad hoc) و حتی با اثر retroactive (بازگشتی) بپذیرند. این سازوکار پیش‌بینی می‌کند که دولت پذیرنده موظف به همکاری کامل با دیوان است. [Rome Statute of the International Criminal Court, Art. 12(3) adopted 17 July 1998, entered into force 1 July 2002, 2187 UNTS 90, Art. 12(3)]

زیرساخت‌های علمی مرتبط با آن‌هاست. جنگ ۱۲ روزه خرداد ۱۴۰۴ میان ایران و اسرائیل به روشنی نشان داد که دانشمندان به اهداف راهبردی جدیدی در منازعات مسلحانه تبدیل شده‌اند؛ اهدافی که در خلأ قواعد صریح، به راحتی زیر توجیهات امنیتی یا ادعاهای دوکاربرد قرار می‌گیرند (UNESCO, 2017, paras. 43-45; ICRC, 2009, p. 47). ساختارهای موجود و تدوین یک رژیم حمایتی اختصاصی برای نخبگان علمی را با قوت تمام برجسته می‌سازد.

حمایت از دانشمندان و مراکز علمی، اگرچه در اسناد حقوق بشری به طور غیرمستقیم مورد توجه قرار گرفته است، اما هیچ‌یک از معاهدات موجود حمایت اختصاصی از دانشمندان به عنوان گروهی پرریسک در شرایط مخاصمه ارائه نمی‌دهند. ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR, 1966, Art. 15) صرفاً بر «حق بهره‌مندی از پیشرفت علمی» تأکید دارد، در حالی که درباره حمایت از افرادی که این پیشرفت را تولید می‌کنند، سکوت کرده است. همچنین کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی، به‌ویژه پروتکل اول ۱۹۷۷، صرفاً از غیرنظامیان و اموال غیرنظامی حمایت می‌کنند، اما مراکز علمی، پژوهشی و دانشمندان را به عنوان «گروه‌های ویژه نیازمند حمایت افزوده» به رسمیت نمی‌شناسند (ICRC, 2016). این خلأ حقوقی موجب می‌شود که مراکز علمی حتی در صورت عدم مشارکت در فعالیت نظامی، تحت پوشش ضعیفی قرار گیرند و امکان هدف‌گیری آن‌ها با ادعاهای مبهم امنیتی افزایش یابد؛ جنگ خرداد ۱۴۰۴ خود نمونه بارز این آسیب‌پذیری بود.

در راستای پر کردن این خلأها، اتخاذ راهکارهای حقوقی پیشگیرانه از اهمیتی بنیادین برخوردار است. تقویت سازوکارهای ملی و بین‌المللی از طریق آموزش مستمر نیروهای نظامی و فرماندهان درباره اصول تفکیک، تناسب و احتیاط در حمله (Additional Protocol I, 1977, Art. 57; ICRC Customary IHL Database, Rule 15)، بازنگری در دکترین‌های نظامی برای قرار دادن حفاظت از جان غیرنظامیان، از جمله دانشمندان و مراکز علمی، به عنوان اولویت اصلی، و ایجاد شفافیت در عملیات از طریق اعلام دقیق اهداف نظامی و تدابیر احتیاطی اتخاذشده، از جمله این اقدامات ضروری است. فراتر از این، تدوین معاهدات جدید یا پروتکل‌های الحاقی به معاهدات موجود که به طور مشخص حفاظت از نخبگان علمی در مخاصمات مسلحانه را مدنظر قرار دهد، ضرورتی انکارناپذیر دارد. ایران می‌تواند از موقعیت پساجنگ خرداد ۱۴۰۴ استفاده کرده و ابتکار عمل حقوقی و دیپلماتیک گسترده‌ای را برای پر کردن این خلأها آغاز کند؛ از جمله پیشنهاد تدوین

«پروتکل الحاقی حمایت از دانشمندان» در مجمع عمومی سازمان ملل که باید تعاریف روشن، الزامات حمایتی اختصاصی، محدودیت‌های دقیق بر تفسیر دوکاربردی و ضمانت اجراهای مؤثر را پیش‌بینی نماید.

در بعد پاسخگویی و پیگرد قانونی، مجموعه‌ای از سازوکارهای قضایی و شبه‌قضایی در دسترس است. در سطح دیوان بین‌المللی دادگستری، طرح دعوی با اتکا به نقض تعهدات حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حق توسعه و حق بر علم می‌تواند دنبال شود. با توجه به اینکه اسرائیل صلاحیت دیوان را نپذیرفته است، راهکار جایگزین درخواست نظر مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری توسط مجمع عمومی سازمان ملل است. (UN Charter, Art. 96; ICJ Statute, Art. 65). این نظر مشورتی الزام‌آور نیست، اما می‌تواند از نظر حقوقی و سیاسی راهگشا باشد، مشابه نظر مشورتی دیوان درباره دیوار حائل در سال ۲۰۰۴. (ICJ, Wall Advisory Opinion, 2004, para. 106). در سطح کیفری، ایران می‌تواند با پذیرش صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی طبق ماده ۱۲(۳) اساسنامه رم، پیگیری جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت ناشی از حملات علیه دانشمندان را مطالبه کند (Rome Statute, 1998, Art. 12(3)). عمده غیرنظامیان موضوع ماده ۸(۲)(b)(i) اساسنامه رم، یا نقض اصول تناسب و احتیاط موضوع ماده ۸(۲)(b)(iv) یا جنایت علیه بشریت (الگوی حملات گسترده یا سیستماتیک علیه جمعیت غیرنظامی موضوع ماده ۷ اساسنامه رم) تلقی شوند، و ایران صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی را بپذیرد، آنگاه این دیوان می‌تواند صلاحیت رسیدگی به این جرایم را داشته باشد (Rome Statute, 1998, Arts. 7, 8(2)(b)(i), 8(2)(b)(iv)). علاوه بر سازوکارهای قضایی، استفاده از ظرفیت‌های شبه‌قضایی و سیاسی نیز حائز اهمیت است. ایران می‌تواند با ثبت شکایت در شورای حقوق بشر و درخواست تشکیل کمیسیون حقیقت‌یاب ویژه، مسیر مستندسازی رسمی و افزایش فشار بین‌المللی را فعال کند. ارجاع موضوع به گزارشگران ویژه شورای حقوق بشر از جمله گزارشگر اعدام‌های فراقضایی، آزادی علمی و حق توسعه می‌تواند به مستندسازی نقض‌ها و تقویت فشار حقوقی و هنجاری منجر شود. (Callamard, 2020, para. 43). همچنین طرح موضوع در شورای امنیت و درخواست تشکیل هیأت حقیقت‌یاب یا سازوکار تحقیق مستقل، علی‌رغم محدودیت‌های سیاسی، بخشی از ابزارهای حقوقی مشروع به شمار می‌رود؛ شورای امنیت طبق ماده ۱۳(b) اساسنامه رم اختیار ارجاع وضعیت به دیوان کیفری بین‌المللی را دارد. افزون بر این، اصل صلاحیت جهانی امکان تعقیب عاملان حملات علیه غیرنظامیان و مراکز علمی را در دادگاه‌های ملی سایر کشورها فراهم می‌کند. گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور اعدام‌های

فراقضایی، آگنس کالامارد، در گزارش خود درباره قتل جمال خاشقچی تأکید کرد که «قتل فراقضایی یک جنایت بین‌المللی است که سایر دولت‌ها باید بر اساس صلاحیت جهانی نسبت به آن اعمال صلاحیت کنند» (UN Human Rights Council, 2019, A/HRC/41/CRP.1; Callamard, 2019).

برای ایران، اتخاذ یک راهبرد جامع و چندلایه در این زمینه ضروری است. در سطح اقدامات فوری، پذیرش صلاحیت اضطراری دیوان کیفری بین‌المللی طبق ماده ۱۲(۳) اساسنامه رم برای جرایم ارتكابی در بازه ۱۳ تا ۱۶ ژوئن ۲۰۲۵، درخواست از مجمع عمومی سازمان ملل برای طرح موضوع و اخذ نظر مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری، و ارسال گزارش تفصیلی به گزارشگران ویژه شورای حقوق بشر (اعدام‌های فراقضایی، آزادی علمی، حق توسعه) در اولویت قرار دارد. در سطح اقدامات میان‌مدت، تشکیل ائتلاف بین‌المللی مقابله با تروریسم علمی متشکل از کشورهای که سابقه ترور دانشمندان را داشته‌اند، تدوین استانداردهای مشترک برای ثبت حملات و لابی‌گری برای تصویب سند الزام‌آور جدید، و طرح پیشنهاد پروتکل الحاقی حمایت از دانشمندان در مجمع عمومی سازمان ملل توصیه می‌شود. در سطح اقدامات بلندمدت نیز بازنگری در دکترین‌های نظامی برای تضمین حفاظت از غیرنظامیان و مراکز علمی، تقویت همکاری‌های علمی بین‌المللی برای ایجاد وابستگی متقابل که از هدف‌گیری دانشمندان جلوگیری کند، و آموزش و ظرفیت‌سازی برای دانشمندان در معرض تهدید در مورد حقوق خود در شرایط مخاصمه ضروری است.

یکی از گام‌های دیپلماتیک اولیه و مهم ایران، ارسال نامه رسمی وزیر علوم به مدیرکل یونسکو در تاریخ ۱۸ ژوئن ۲۰۲۵ بود. در این نامه، ضمن احصای اسامی ۱۲ دانشمند شهید و تشریح نحوه حملات در منازل مسکونی و در کنار خانواده‌ها، از یونسکو درخواست شده بود «تا با محکومیت شدید کشتار هدفمند دانشمندان، واکنشی مناسب و متناسب به این موضوع نشان دهد» (Simaei Sarraf, 2025). این نامه همچنین با استناد به ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر و توصیه‌نامه ۲۰۱۷ یونسکو درباره علم و پژوهشگران علمی، بر تعهدات بین‌المللی در قبال حفاظت از دانشمندان تأکید کرده است. در نهایت، در صورت احراز مسئولیت دولت مهاجم، مطابق مواد ۳۰ تا ۳۷ پیش‌نویس مواد مسئولیت دولت‌ها (ARSIWA)، دولت مسئول مکلف به توقف فوری نقض^۱، ارائه تضمین عدم تکرار^۲ و جبران کامل زیان^۳ شامل غرامت مالی، بازسازی مراکز علمی، حمایت از پژوهشگران

¹ Cessation

² Assurances of non-repetition

³ Reparation

آسیب‌دیده و ترمیم ظرفیت دانشی کشور خواهد بود. (ARSIWA, 2001, Arts. 30-37) با توجه به ماهیت جمعی و فرامرزی حق بر علم و توسعه، این تعهدات می‌توانند واجد وصف تعهدات عام‌الشمول¹ باشند؛ همان‌گونه که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه Barcelona Traction (1970, para. 33) بر آن تأکید کرده است (رجوع شود به بخش ۴-۳). در بخش پایانی، به جمع‌بندی یافته‌های کلیدی و ارائه نتیجه‌گیری نهایی خواهیم پرداخت.

¹ erga omnes

نتیجه‌گیری

منازعه مسلحانه در خرداد ۱۴۰۴ و اقدامات تروریستی علیه دانشمندان ایرانی، نمونه‌ای تأسفبار از نقض فاحش قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر است. ترور هدفمند این نخبگان نه تنها نقض حق حیات و کرامت انسانی آنان، بلکه ضربه‌ای مستقیم به پیشرفت علمی و امنیت ملی ایران و خدشه‌دار کردن نظم حقوقی بین‌المللی وارد آورده است. این پژوهش با هدف تحلیل مشروعیت یا عدم مشروعیت ترور هدفمند دانشمندان ایرانی در منازعه مسلحانه خرداد ۱۴۰۴ و با تکیه بر تحلیل اسنادی معاهدات بین‌المللی، رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری و راهنمای تفسیری کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، به این نتیجه رسیده است که این اقدامات از هیچ یک از چارچوب‌های حقوقی مشروعیت‌بخش، اعم از چارچوب اجرای قانون یا چارچوب مداخلات مسلحانه، برخوردار نیستند و نقض آشکار اصول بنیادین حقوق بشردوستانه و حقوق بشر محسوب می‌شوند.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، دانشمندان ایرانی که در جریان حملات خرداد ۱۴۰۴ هدف قرار گرفتند، به دلیل عدم مشارکت مستقیم در عملیات نظامی و عدم اثبات هرگونه نقش عملیاتی در خصومت‌ها، دارای وضعیت غیرنظامی کامل بوده و از حمایت تمام‌عیار قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه برخوردارند. راهنمای تفسیری کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (۲۰۰۹) صراحتاً تأکید می‌کند که فعالیت علمی، پژوهشی یا مدیریتی در صنایع دواکاربردی، به خودی خود مصداق «مشارکت مستقیم در خصومت‌ها» محسوب نمی‌شود و تنها در صورتی می‌تواند چنین وصفی پیدا کند که فرد نقش فوری، عملیاتی و نظامی ایفا نماید. در مورد دانشمندان هدف‌قرارگرفته در خرداد ۱۴۰۴، هیچ مدرک یا سندی مبنی بر چنین مشارکتی ارائه نشده است. بنابراین، اصل تفکیک که در ماده ۴۸ و ۵۱(۲) پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ مقرر شده، به وضوح نقض گردیده است؛ چرا که این اصل تنها حمله به رزمندگان یا افرادی را که مستقیماً در خصومت‌ها مشارکت دارند مجاز می‌شمارد و حمله به افراد غیرنظامی را به طور مطلق ممنوع اعلام می‌کند.

علاوه بر نقض اصل تفکیک، حملات مذکور اصول تناسب و احتیاط را نیز نقض کرده‌اند. اصل تناسب که در ماده ۵۱(۵)(ب) پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ تعریف شده، حملاتی را که تلفات غیرنظامی به طور واضح بیش از حد نسبت به مزیت نظامی مستقیم و مشخص مورد انتظار باشد، ممنوع می‌کند. در حملات خرداد ۱۴۰۴، هیچ مزیت نظامی قابل اثباتی از سوی دولت مهاجم ارائه نشده است، در حالی که تلفات انسانی سنگین، از جمله کشته شدن زنان و کودکان در منازل مسکونی،

به طور کامل محرز است. اصل احتیاط در حمله که در ماده ۵۷ پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ تنظیم شده، نیز به دلیل انجام عملیات در منازل مسکونی بدون ارائه هرگونه هشدار قبلی و بدون اتخاذ اقدامات لازم برای احراز وضعیت نظامی هدف، نقض گردیده است. نامه رسمی وزیر علوم ایران به مدیرکل یونسکو به روشنی بیان می‌دارد که حملات در منازل شخصی دانشمندان و در کنار اعضا بی‌گناه خانواده آنان انجام شده است که خود گویای عدم رعایت هرگونه استاندارد احتیاطی است. از منظر حقوق کیفری بین‌المللی، این نقض‌ها می‌تواند مصداق قتل عمدی (ماده ۲۸(i)(a)) (اساسنامه رم (و حملات عمدی علیه غیرنظامیان) ماده ۲۸(i)(b)) (اساسنامه رم (تلقی شده و به عنوان جنایت جنگی قابل پیگرد باشد).

از منظر حقوق بشر، ترور هدفمند دانشمندان ایرانی نقض آشکار حق حیات است؛ حقی که در ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به عنوان یک حق بنیادین و غیرقابل تعلیق به رسمیت شناخته شده است. کمیته حقوق بشر سازمان ملل در تفسیر عمومی شماره ۳۶ (۲۰۱۸) به صراحت اعلام داشته است که ترور هدفمند افراد غیرمسلح، حتی در عملیات فرامرزی و با ادعای تهدید امنیتی، مصداق محروم‌سازی خودسرانه از حیات است. علاوه بر این، این ترورها حق بهره‌مندی از پیشرفت علمی (ماده ۱۵ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) و حق توسعه را نیز نقض می‌کنند. حمله به دانشمندان صرفاً حذف فیزیکی یک فرد نیست، بلکه اختلال در شبکه‌ای گسترده از دانش، همکاری علمی و ظرفیت سیاست‌سازی بین‌المللی است که پیامدهای جبران‌ناپذیری بر توسعه پایدار و رفاه جامعه دارد. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل در تفسیر عمومی شماره ۲۵ (۲۰۲۰) تأکید کرده است که حمله به دانشمندان تنها نقض حق حیات نیست، بلکه نقض مجموعه‌ای از حقوق فردی، جمعی، علمی و توسعه‌ای است. از حیث مسئولیت بین‌المللی، با توجه به الگوی عملیاتی حملات و گزارش‌های متعدد رسانه‌های معتبر بین‌المللی، عنصر انتساب رفتار به دولت مهاجم به روشنی قابل احراز است. بر اساس مواد ۴، ۸ و ۱۱ پیش‌نویس مواد مسئولیت دولت‌ها (ARSIWA 2001)، رفتار مقامات دولتی و نیروهای مسلح، و همچنین رفتار اشخاص یا گروه‌هایی که تحت کنترل مؤثر دولت عمل می‌کنند، قابل انتساب به آن دولت است. در صورت احراز انتساب، حملات به دانشمندان ایرانی به عنوان عمل متخلفانه بین‌المللی تلقی می‌شوند که تعهداتی چون توقف فوری نقض، تضمین عدم تکرار و جبران کامل خسارات مادی و معنوی را بر دولت مسئول تحمیل می‌کند. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بارسلونا تراکشن (۱۹۷۰) تأکید کرده است که برخی حقوق مانند منع کشتار غیرنظامیان دارای

منابع

- کولب، رابرت؛ هاید، ریچارد (۱۹۶۷). درآمدی بر حقوق مخاصمات مسلحانه. ترجمه: لسانی، سید حسام‌الدین، تهران: مجد، چاپ دوم، ۱۴۰۲.
- لسانی، سید حسام‌الدین (۱۴۰۰). حمایت از انسان‌ها در حقوق بشردوستانه بین‌المللی. قم: دانشگاه حضرت معصومه (س).
- محمدی، فرزاد؛ شهسواری، احسان (۱۳۹۶). قتل هدفمند در حقوق بین‌الملل. تهران: انتشارات میزان.
- آذری، هاجر؛ طباطبایی حصار، نسرین (۱۳۹۶). «چالش‌های نظام حقوقی ایران در الحاق به معاهدات حقوق بشری از دیدگاه حقوق بین‌الملل». مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۸، شماره ۱.
- آهني امينه، محمد؛ ظریف، محمدجواد (۱۳۹۱). «قتل هدفمند؛ مبانی متعارض در حقوق بین‌الملل (با تأکید بر عملیات قتل هدفمند ایالات متحده آمریکا)». فصلنامه پژوهش حقوق تطبیقی، سال ۱۶، شماره ۴، صص ۱-۳۰.
- ابراهیم‌زاده، پوریا؛ رحمانیان، سمیه (۱۴۰۳). «کاربست راهبرد قتل‌های هدفمند علیه رهبران تروریسم: نقدی حقوقی بر توجیهات نظامی با تأکید بر ضوابط حقوقی بین‌المللی قابل اعمال». فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال ۲۰، شماره ۴ (۸۰)، صص ۸۹-۱۱۰.
- اشرفی، داریوش (۱۳۹۳). «تفسیر جدید از صلح و امنیت بین‌المللی و تأثیر آن بر مفهوم حاکمیت ملی». پژوهش‌های حقوق عمومی، دوره ۱۵، شماره ۴۲.
- اعتمادفر، سحر (۱۴۰۲). «ترور دانشمندان هسته‌ای ایران از منظر حقوق بین‌الملل (چگونگی پیگرد حقوقی بین‌المللی شهید محسن فخری‌زاده)». کنفرانس بین‌المللی فقه، حقوق و پژوهش‌های دینی (دوره ۸)، دانشگاه شیراز.
- بیگ‌زاده، ابراهیم؛ میرزاده، منا (۱۳۹۴). «تروریسم در اعداد جنایات بین‌المللی: رویکرد دادگاه ویژه لبنان به تعریف تروریسم بین‌المللی». پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۶.
- بشیری، مریم؛ فقیهی، علی؛ خیرالهی، محمدعلی (۱۴۰۱). «مبانی فقهی جرم‌انگاری ترور رسانه‌ای و نحوه مجازات آن». پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، دوره ۱۹، شماره ۱.
- تاجیک‌خاوه، حسین؛ امانی‌بابادی، امین (۱۴۰۴). «ترورهای هدفمند دانشمندان و فرماندهان نظامی ایران: تحلیل مصداق جنایت بین‌المللی در چارچوب حقوق بشر». مطالعات فقه و حقوق فرهنگی، دوره ۲، شماره ۲، صص ۲۸۳-۳۰۵.
- جانی‌پور، مجتبی؛ خانعلی‌پور واجارگاه، سکینه (۱۳۸۹). «ارجاع جنایت‌های بین‌المللی به دیوان کیفری

بین‌المللی توسط شورای امنیت و آثار آن». مطالعات حقوقی، شماره ۲.

حسین‌زاده، محمد صالح؛ بیات، بهرام (۱۳۹۲). «تحلیل جامعه‌شناختی نقش امنیتی نخبگان سیاسی (قدرت) در ارتقاء امنیت ملی ج.ا.ا». فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۵۹، صص ۱-۴۵.

حسینی اکبرنژاد، هاله؛ حسینی اکبرنژاد، حوریه (۱۳۹۷). «ترور هدفمند: نقض اصل عدم تقابل در تعهدات بنیادین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه». مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، دوره ۱۷، شماره ۳۵، صص ۱۹۹-۲۴۲.

رنجبریان، امیرحسین؛ کمالی‌نژاد، حسن (۱۳۹۲). «تعهد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به حفاظت از اطلاعات محرمانه هسته‌ای ایران». مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۴۹.

رزمخواه، محمدرضا (۱۳۸۴). «جنگ نامتقارن». فصلنامه علوم و فنون نظامی، دوره ۲، شماره ۲، صص ۶-۱۶.

رضایی پیش‌رباط، صالح؛ زعفرانی، هاشم (۱۴۰۳). «ظرفیت‌های بین‌المللی رسیدگی حقوقی ترور شهدای هسته‌ای ایران». فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۶۵.

ساکي، محمدرضا (۱۳۸۷). «ضمانت اجرای کیفری جرائم علیه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه». فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، شماره‌های ۴۴ و ۴۵.

سرتیپی، حسین؛ بردبار، احمدرضا؛ موسی‌زاده، محمد (۱۳۹۱). «بررسی و نقد ترور هدفمند، مبارزه با تروریسم و حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی». فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال چهاردهم، شماره ۳۸، صص ۴۰-۷۶.

سمیعی اصفهانی، علیرضا؛ بهرامی، سجاد؛ افشاری، داوود (۱۳۹۴). «مبارزه با تأمین مالی تروریسم در پرتو اسناد بین‌المللی». فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، شماره ۲۲.

سلیمی، صادق (۱۳۹۳). «ارتباط شورای امنیت و دیوان بین‌المللی کیفری در پرتو کنفرانس بازننگری ۲۰۱۰». فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال ۱۶، شماره ۴۳.

شفیعی سیف‌آبادی، محسن (۱۳۹۹). «تبیین پروژه ترور دانشمندان هسته‌ای و آینده پژوهی اقدامات متقابل ایران». پژوهش‌های حفاظتی-امنیتی، دوره ۹، شماره ۳۴.

شریفی طرازکوهی، حسین؛ فتح‌پور، فاطمه (۱۳۹۶). «الزامات مقابله با تروریسم در پرتو انسانی‌شدن حقوق بین‌الملل». مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۹، شماره ۲.

صالحی، محمدخلیل؛ سلمانی‌فرهمند، محمد (۱۴۰۰). «تحلیل ترور دانشمندان هسته‌ای ایران از منظر حقوق

داخلی و بین‌الملل». پژوهشنامه حقوق فارس، دوره ۴، شماره ۹.

صالحی، محمد؛ دارابی، شهرداد؛ سعید، علیرضا (۱۴۰۱). «چالش‌های تعقیب کیفری دولت آمریکا در ترور سردار سلیمانی». نشریه فقه جزای تطبیقی، دوره ۲، شماره ۵.

صفاری‌نیا، محیا (۱۳۹۵). «حقوق فرهنگی در نظام بین‌المللی حقوق بشر؛ حرکت کم‌شتاب در بستر پرتلاطم». پژوهش‌های حقوق تطبیقی، سال بیستم، شماره ۲، صص ۷۷-۱۰۰.

عزیزی، ستار (۱۳۹۹). «قتل هدفمند از نگاه حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی ایالات متحده آمریکا: مطالعه موردی ترور سردار سلیمانی». پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۷، شماره ۲ (پیاپی ۲۴)، صص ۱۲۳-۱۵۰.

کدخدایی، عباسعلی؛ شهبازی، احسان؛ ساعدی، بهمن (۱۳۹۶). «تحلیل محتوای عملکرد رژیم صهیونیستی در اعمال سیاست قتل‌های هدفمند در پرتو اصول بنیادین حقوق بشردوستانه بین‌المللی». نشریه مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، پیاپی ۱۴، صص ۱۳۳-۱۶۵.

کرمی، سعید؛ محمدخانی، محمدرضا؛ طیب، محسن (۱۴۰۱). «ترور سردار سلیمانی از منظر اصول و قواعد حقوقی». سیاست دفاعی، دوره ۱۳، شماره ۱۱۸، صص ۳۷-۱۱.

کوشا، جعفر؛ عزیزاده، اکبر؛ یکتا، علی (۱۴۰۳). «بررسی حقوقی ترور سردار سلیمانی از منظر اسناد بین‌المللی». فصلنامه حقوق تعالی، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۳۱-۶۶.

لسانی، سید حسام‌الدین؛ منفرد، مهوش (۱۳۹۶). «تأملی بر مشروعیت سیاست کشتار هدفمند از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه». نشریه مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۹، شماره ۲، صص ۲۴۶-۲۷۶.

منفرد، مهوش (۱۴۰۳). «ترور شهید فخری‌زاده از منظر حقوق بین‌الملل». مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، دوره ۵۴، شماره ۲، صص ۱۳۶۷-۱۳۸۶.

طهرانچی، محمد مهدی (۱۴۰۳). فرهنگستان علوم. [/ias.ac.ir/fa/news/139](https://ias.ac.ir/fa/news/139)

عزیزی، ستار؛ سیدناصری، محمد مهدی (۱۴۰۲). «حق بر آموزش برابر و تعهدات دولت‌ها - مروری بر گزارش ۲۷ ژوئن ۲۰۲۳ گزارشگر شورای حقوق بشر». تالار گفتگوی تخصصی حقوقی و سیاسی بین‌المللی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل.

قاسمی، فائزه (۱۴۰۴). «جهان طی دو دهه اخیر برای مبارزه با تروریسم چه کرده است؟» خبرگزاری ایسنا.

محمدی (امتدادجو)، عزیزالله (۱۴۰۴). «نبرد نامتقارن رسانه‌ای در جنگ ۱۲ روزه». روزنامه کیهان.

نامه وزیر علوم به مدیرکل یونسکو درخصوص ترور دانشمندان ایران توسط رژیم اسرائیل .

<https://shirazu.ac.ir/article/5882316>

- Bergman, R. (2018). *Rise and kill first: The secret history of Israel's targeted assassinations*. Random House.
- Castells, M. (2010). *The rise of the network society* (2nd ed.). Wiley-Blackwell.
- Crawford, J. (2002). *The International Law Commission's articles on state responsibility: Introduction, text and commentaries*. Cambridge University Press.
- Cronin, A. K. (2009). *How terrorism ends: Understanding the decline and demise of terrorist campaigns*. Princeton University Press.
- Findlay, T. (2015). *Unlocking the atom: The IAEA and nuclear non-proliferation*. United Nations Institute for Disarmament Research (UNIDIR).
- Melzer, N. (2008). *Targeted killing in international law*. Oxford University Press.
- Melzer, N. (2010). Targeted killings in operational law perspective. In T. D. Gill & D. Fleck (Eds.), *The handbook of the international law of military operations* (pp. 277-292). Oxford University Press.
- Nye, J. S. (2004). *Soft power: The means to success in world politics*. PublicAffairs.
- Sassòli, M. (2019). *International humanitarian law: Rules, controversies, and solutions to problems arising in warfare*. Edward Elgar Publishing.
- Journal Articles and Scholarly Papers
- Asatani, K., et al. (2025). Influential scientists shape knowledge flows between science and IGO policy. *arXiv preprint*, arXiv:2506.06753.
- Boulton, G. (2022). Science as a global public good. *Proceedings of the National Academy of Sciences / Indian National Science Academy*.
- Heyns, C., & Knuckey, S. (2013). Long-term international law implications of targeted killings. *ASIL Proceedings*, 107, 241-246.
- Kretzmer, D. (2005). Targeted killing of suspected terrorists: Extra-judicial executions or legitimate means of defence? *European Journal of International Law*, 16(2), 171-212.
- Lepard, B. D. (2010). Defining erga omnes customary norms. In *Customary international law: A new synthesis* (pp. 261-269). Cambridge University Press.
- Senn, M., & Troy, J. (2017). The transformation of targeted killing: A critical assessment. *Contemporary Security Policy*, 38(3), 369-390.
- Schmitt, M. (2010). The interpretive guidance on the notion of direct participation in hostilities: A critical analysis. *Harvard National Security Journal*, 1, 45-82.
- Tobey, W. (2012). The Iranian nuclear scientists' assassinations: A justifiable response? *Bulletin of the Atomic Scientists*, 68(2), 48-55.
- Walker-Munro, B. (2024). A duty to protect from science? Protecting scientists under international law. *Journal of International Humanitarian Legal Studies*, 15(1), 88-116.
- Additional Protocol I to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and Relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts, 8 June 1977, 1125 UNTS 3. (1977).
- International Covenant on Civil and Political Rights, adopted 16 December 1966, entered into force 23 March 1976, 999 UNTS 171. (1966).
- International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, adopted 16 December 1966, entered into force 3 January 1976, 993 UNTS 3. (1966).
- Rome Statute of the International Criminal Court, adopted 17 July 1998, entered into force 1 July 2002, 2187 UNTS 90. (1998).
- Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons (NPT), opened for signature 1 July 1968, entered into force 5 March 1970, 729 UNTS 161. (1968).
- United Nations Charter, signed 26 June 1945, entered into force 24 October 1945, 1 UNTS XVI. (1945).
- Universal Declaration of Human Rights, adopted 10 December 1948, UNGA Res 217

A(III). (1948).

Vienna Convention on the Law of Treaties, adopted 23 May 1969, entered into force 27 January 1980, 1155 UNTS 331. (1969).

ARSIWA. (2001). Draft articles on responsibility of States for internationally wrongful acts, with commentaries. International Law Commission, UN Doc A/56/10.

ICRC. (2009). Interpretive guidance on the notion of direct participation in hostilities under international humanitarian law. International Committee of the Red Cross.

ICRC. (2016). *Commentary on the First Geneva Convention: Convention (I) for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field*. Cambridge University Press.

UN CESCR (Committee on Economic, Social and Cultural Rights). (2020). General comment No. 25 on science and economic, social and cultural rights (E/C.12/GC/25).

UN Human Rights Committee. (2018). General comment No. 36 on the right to life (CCPR/C/GC/36).

UN Human Rights Council. (2019). Report of the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions, Agnes Callamard: The killing of Jamal Khashoggi (A/HRC/41/CRP.1).

UN Human Rights Council. (2020). Report of the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions, Agnes Callamard (A/HRC/44/38).

UN General Assembly. (1974). Definition of aggression (Resolution 3314 (XXIX)).

UN Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions. (2012). Report to the Human Rights Council (A/HRC/20/22).

UNESCO. (2017). Recommendation on science and scientific researchers. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.

ICJ. (1970). Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited (Belgium v. Spain), Judgment, ICJ Reports 1970, p. 3.

ICJ. (1986). Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America), Merits, Judgment, ICJ Reports 1986, p. 14.

ICJ. (1996). Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, ICJ Reports 1996, p. 226.

ICJ. (1999). Difference Relating to Immunity from Legal Process of a Special Rapporteur of the Commission on Human Rights, Advisory Opinion, ICJ Reports 1999, p. 62.

ICJ. (2004). Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, ICJ Reports 2004, p. 136.

ICTY. (1995). Prosecutor v. Tadić, Case No. IT-94-1, Decision on the Defence Motion for Interlocutory Appeal on Jurisdiction (2 October 1995).

Bergman, R., & Fassihi, F. (2021, September 19). The scientist and the A.I.-assisted, remote-control killing machine. The New York Times. <https://www.nytimes.com>

Jerusalem Post. (2025, June 14). Who are the nuclear academics Israel killed in Iran strikes? The Jerusalem Post. <https://www.jpost.com>

Kashmir Observer. (2025, June 13). Who are the Iranian scientists who have been killed? Kashmir Observer. <https://kashmirobsrver.net>

LBCI. (2025, June 13). Israel strikes deep: Top Iranian generals and nuclear scientists assassinated. LBCI Lebanon. <https://www.lbcilb>

News18. (2025, June 19). Operation Narnia: How Israel is targeting key Iranian nuclear scientists. News18. <https://www.news18.com>

PBS NewsHour. (2012, January 11). Who's killing Iran's nuclear officials? PBS NewsHour. <https://www.pbs.org/newshour>

- Reuters. (2025, June 13). Israel strikes deep: Top Iranian generals and nuclear scientists assassinated. Reuters. <https://www.reuters.com>
- The New York Times. (2020, November 28). Iran's top nuclear scientist killed in attack. The New York Times.
- Daniele, L. (2024, September 17). '2 probable war crimes' committed in Lebanon pager attack: Legal expert. Anadolu Ajansı. <https://www.aa.com.tr>
- Griffiths, J. (2021, June 22). Warnings as a precautionary measure: Gaza. Lieber Institute West Point. <https://lieber.westpoint.edu>
- HPCR. (2009). HPCR manual on international law applicable to air and missile warfare. Harvard Program on Humanitarian Policy and Conflict Research. <https://hpcrresearch.org>
- Human Rights Watch (HRW). (2021). World Report 2021. <https://www.hrw.org>
- ICRC Customary IHL Database. (n.d.). Rule 1: Principle of distinction. https://ihl-databases.icrc.org/customary-ihl/eng/docs/v1_rul_rule1
- ICRC Customary IHL Database. (n.d.). Rule 15: Principle of precautions in attack. https://ihl-databases.icrc.org/customary-ihl/eng/docs/v1_rul_rule15
- Nournews.ir. (2021). General Hatami's letter to defense ministers of 60 countries regarding Israeli role in assassination of Iranian scientists (News Code: 58095). <https://nournews.ir>
- Simaei Sarraf, H. (2025, June 18). Letter to the Director-General of UNESCO regarding the targeted killing of Iranian scientists by the Israeli regime. Ministry of Science, Research and Technology of Iran. <https://eco.sbu.ac.ir/fa/web/presidency>
- The Times of Israel. (2021, April 12). Netanyahu mentioned Fakhrizadeh by name in 2018 press conference. The Times of Israel. <https://www.timesofisrael.com>
- Todeschini, V. (2019, January 21). The Human Rights Committee's General Comment No. 36 and the right to life in armed conflict. *Opinio Juris*. <http://opiniojuris.org>
- Wikipedia. (n.d.). Targeted killing in international law. In Wikipedia. Retrieved [date]. https://en.wikipedia.org/wiki/Targeted_killing_in_international_law
- Wikipedia. (n.d.). Assassinations of Iranian nuclear scientists. In Wikipedia. Retrieved [date]. https://en.wikipedia.org/wiki/Assassinations_of_Iranian_nuclear_scientists